

## بررسی تطبیقی شاخص های حکمرانی خوب در مردم سالاری دینی

محمد هاشمی<sup>۱</sup>، اکبر مهری نژاد<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبائی

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی دانشگاه تبریز

نام نویسنده مسئول:

محمد هاشمی

### چکیده

یکی از مهم ترین نکاتی که می بایست مورد مذاقه و تدبیر قرار گیرد، شیوه های حکمرانی دولت ها و نحوه تاثیر گذاری آن بر آحاد جامعه است. به طور کلی حکمرانان و خطمشی- گذاران از دیدگاه های مختلفی از جمله اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... به مسائل و مشکلات عمومی نگریده و درصدد حل آن بر می آیند. در این راستا، نکته حائز اهمیت این است که نخبگان قدرت، مسائل عمومی را از دیدگاه خود تعبیر و تفسیر نموده و در نهایت آنها را به عنوان اولویت ها معرفی (یا به عبارت بهتر تلقین) نموده و در دستور کار قرار می دهند. یکی از مصادیق این امر، تئوری حکمرانی خوب است. در این دیدگاه، از زاویه ای خاص که مد نظر تئوری پردازان آن است به مسائل پرداخته شده است و ابعاد و ابعادی همچون ابعاد اجتماعی، اخلاقی و ... مورد اهمال واقع شده است. پژوهش حاضر با بررسی تطبیقی این دیدگاه و مردم سالاری دینی به بیان ابعاد و مولفه های مکمل حکمرانی خوب (یا به عبارت بهتر حکمرانی متعالی یا مطلوب) می پردازد. البته در طی این مسیر، از شاخص های موجود در سیره حکمرانی امیرمومنان علی (ع) نیز بهره برده شده است. نتایج بدست آمده، سه بعد دیگر، یعنی اجتماعی، اخلاقی و مدیریتی به عنوان شاخص های مکمل به این دیدگاه افزوده شده است که هر یک از این شاخص ها دارای ابعاد فرعی نیز می باشند. **واژگان کلیدی:** حکمرانی خوب، مردم سالاری دینی، نهج البلاغه.

**مقدمه**

در حقیقت، حکمرانی واژه‌ای جدید نیست و در خلال بحث در زمینه سازمان اجتماعی شکل گرفته و نسبتاً در این اواخر توسعه یافته است. این واژه در حالیکه به سرعت در واژگان معاصر انگلیسی پیشرفت نموده است، ولی بخوبی در بسیاری از زبان‌ها ترجمه نشده است. ریشه این واژه به قرن ۱۷ و ۱۸ بر می‌گردد. بسیاری از اندیشمندان در مورد این تعریف از حکمرانی اتفاق نظر دارند که حکمرانی، تصمیم‌گیری در مورد هدایت است. یکی از تعاریف مفید در مورد حکمرانی این است که حکمرانی، هنر هدایت نمودن جوامع و سازمان‌ها است.<sup>۱</sup> با این حال، برای برخی این پرسش پیش می‌آید که آیا این فرمول بندی، معنای ضمنی هدایت از بالا به پایین را دارد یا کنترلی که بسیار قوی است؟ آیا «هدایت نمودن»<sup>۲</sup> واژه مناسب و بجایی است؟ واضح است که حکمرانی دربرگیرنده تعامل میان ساختارها، رویه‌ها، و سنت‌هایی است که تعیین می‌کند چگونه قدرت اعمال می‌گردد، چگونه تصمیم گرفته می‌شود، و چگونه شهروندان یا سایر ذینفعان اظهارات خود را بیان می‌نمایند. اساساً حکمرانی در بازه روابط و پاسخگویی است: چه کسی نفوذ دارد، چه کسی تصمیم می‌گیرد، و به چه میزان تصمیم‌گیران پاسخگو هستند. این مفهوم ممکن است به طور مفیدی در بسترهای مختلف (از جمله جهانی، ملی، و محلی، اجتماعی و نهادی) مورد استفاده قرار گیرد (پلامتر و گراهام<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹).

حکمرانی خوب، واژه‌ای است که در دهه ۱۹۹۰ توسط بانک جهانی رواج یافت. منطق این است که همراه با حکمرانی خوب - یعنی، مبارزه نمودن با فساد مالی، پارتی بازی، بوروکراسی، و سوء مدیریت - و شفافیت، پاسخگویی، و رویه‌های مناسب می‌توان به طور موثری جهت دستیابی به اهداف کاهش فقر کمک نمود (ناندا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶).

به زعم کافمن<sup>۵</sup>، حکمرانی یعنی اعمال قدرت از طریق نهادها و سنت‌های رسمی و غیر رسمی به منظور ارائه کالای عمومی. بنابراین حکمرانی عبارت است از: (۱) فرآیند گزینش، نظارت و جایگزینی حکومت‌ها؛ (۲) ظرفیت تدوین و پیاده‌سازی خط‌مشی‌های مناسب و ارائه خدمات عمومی؛ (۳) احترام قائل شدن برای شهروندان و قائل شدن شان و مقام برای نهادهای حاکمی که دارای تعاملات اجتماعی و اقتصادی است (کافمن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳).

به طور کلی، حکمرانی خوب از سوی نخبگان قدرت و با رویکردی مادی و اقتصادی ارائه شده است. به عبارت دیگر، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و ... حکمرانی را درصورتی خوب و مطلوب می‌دانند که با رویکرد اقتصادی به مسائل بنگرد. مطابق با مدل خط‌مشی گذاری نخبگان، این نخبگان هستند که ترجیحات و اولویت‌ها را تعیین و دیکته می‌نمایند، مهم نوع مسائل از دیدگاه این قشر از جامعه است نه توده‌ها (دای<sup>۷</sup>، ۱۹۹۸: ۲۴). در مقابل، از دیدگاه رویکرد اسلامی، در مردم سالاری دینی، مردم نیز در این فرآیند دخیل بوده و حق اظهار نظر دارند. به عبارت دیگر مسئله اصلی این است که با تک بعدی نگری به مسائل و آن هم توسط نخبگان نمی‌توان به طور جامع و مطلوب مسائل را شناسایی و حل نمود. راهکار این امر اهتمام بر سایر جنبه‌ها و چند بعدی نگری است. بر این اساس، جهت رفع این مسئله و فایق آمدن بر تک بعدی نگری موجود در تئوری حکمرانی خوب، از دیدگاه مردم سالاری دینی و مبانی ارزشی آن بهره برده شده است تا بدین طریق نقصان این تئوری حل شده و شاخص‌های مکمل ارائه گردد.

**اهداف و پرسش‌های پژوهش**

پژوهش حاضر درصدد است تا بر اساس اندیشه‌های اسلامی و سیره حکمرانی امام علی (ع)، خلاءهای موجود در تئوری حکمرانی خوب را شناسایی و جهت حل آن راهکار و شاخص‌های مکملی ارائه دهد.

سوال اصلی: آیا شاخص‌های حکمرانی خوب، جامع و مانع است؟ شاخص‌های مکمل این رویکرد کدام است؟

سوال فرعی ۱: شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اجتماعی کدامند؟

سوال فرعی ۲: شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اخلاقی کدامند؟

سوال فرعی ۳: شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر مدیریتی کدامند؟

1 . governance is the art of steering societies and organizations.

2 . Steering

3 . Plumptre, & Graham

4 . Nanda

5 . Kaufmann

6 . Kaufmann

7 . Dye

## ادبیات پژوهش

حکمرانی<sup>۸</sup> و حکومت<sup>۹</sup>

حکمرانی، واژه‌ای است که از حدود سال ۱۹۹۰ از گمنامی به سوی کاربرد گسترده حرکت نموده است. دیدگاه‌های مختلفی در زمینه تعریف حکمرانی وجود دارد. گرایشی نه چندان معمول، حکومت را مترادف «حکمرانی» بکار برده است. با این حال، حکومت و حکمرانی در بسیاری از موارد بجای یکدیگر بکار برده شده‌اند.

یکسان دانستن حکمرانی و حکومت، روش کشف مشکل را محدود نموده و طیف استراتژی‌هایی که ظاهراً جهت حل آن مشکل در دسترس هستند را نیز مختل و غیر قابل استفاده می‌نماید. به طور خلاصه، ابهام موجود در واژگان مرتبط با حکمرانی می‌تواند پیامدهای عملی مهمی داشته باشند: این امر نه تنها تعریف مشکل را تحت تاثیر قرار می‌دهد بلکه تحلیل خط‌مشی در مورد نحوه حل آن مشکل را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد.

زمانیکه حکومت، به سازمانی سوای از شهروندان، بجای یک فرآیند تبدیل گردد، نیاز به حکمرانی به عنوان مفهومی متمایز از حکومت احساس و مبرهن می‌شود. در آتن باستان، که به مهد دموکراسی مشهور بود، گفته می‌شد که جهت مواجهه با دغدغه‌های عمومی، با شهروندان در محیط بازار ملاقات نمایید. حکومت در چنین ترتیبی، فرایندی ساده جهت مواجهه با مسئله است. با این حال، امروزه، حکومت به ندرت به عنوان یک فرآیند تعریف می‌شود؛ در عوض، امروزه حکومت به عنوان یک موسسه<sup>۱۰</sup> (یا مجموعه‌ای از موسسات) نگریسته می‌شود، یعنی یکی از عاملان<sup>۱۱</sup> یا بازیگران<sup>۱۲</sup> اجتماعی.

نه تنها زمانیکه فرم نهادی فرض می‌شد، بلکه زمانیکه نمایندگی<sup>۱۳</sup> ضروری می‌شود نیز حکومت به عنوان موجودیتی مجزا نگریسته می‌شد. بدون نمایندگی، حکومت، «ما» است. در حقیقت، در برخی از زبان‌های بومی، مفهوم حکومت به معنای «شیوه زندگی ما» یا «زندگی ما» می‌باشد.

جهت درک ایده حکمرانی، باید دانست که درک علاقه به مسائل عمومی، محدود به حکومت نمی‌شود. سایر عوامل از قبیل رسانه، و در برخی از جوامع سازمان‌های مذهبی و نظامی و نیز سازمان‌های تجاری به مسائل عمومی علاقه مند بوده و آنها را به اشتراک می‌گذارند و گاهی اوقات نیز نقشی در مورد خطاب قرار دادن این مسائل ایفا می‌نمایند. به لیست سایر عوامل می‌بایست بخش غیر انتفاعی - گاهی به عنوان جامعه مدنی به آن اشاره می‌شود- نمایندگی‌های داوطلبانه و سازمان‌های غیر دولتی<sup>۱۴</sup> را نیز افزود (پلامتر و گراهام<sup>۱۵</sup> ۱۹۹۹).

در چه نقاطی حکمرانی بوقوع می‌پیوندد: «مناطق» حکمرانی<sup>۱۶</sup>

در اصل، مفهوم حکمرانی ممکن است در هر عمل جمعی بکار گرفته شود. حکمرانی در مورد جنبه‌های استراتژی هدایت نمودن است: به عبارتی تصمیمات بزرگ در مورد مسیر و نقش‌ها. به عبارت دیگر، حکمرانی تنها در مورد جایی که باید رفت<sup>۱۷</sup> نیست، بلکه درباره این است که چه کسی می‌بایست در تصمیم‌گیری شرکت نماید، و چه ظرفیتی باید داشته باشد. سه حوزه یا منطقه وجود دارد که با حکمرانی مرتبط است:

۱. حکمرانی در «فضای جهانی»، یا حکمرانی جهانی، با مسائلی که خارج از حوزه دولت‌هاست سر و کار دارد.
۲. حکمرانی در «فضای ملی»: یعنی درون یک کشور. این امر گاهی به عنوان حفاظت منحصر به فرد از دولت نگریسته می‌شود، که ممکن است چندین سطح داشته باشد: ملی، استانی، بومی<sup>۱۸</sup>، شهری یا محلی<sup>۱۹</sup>. با این حال، بخصوص در سطح جامعه، حکمرانی با این موضوع مرتبط می‌گردد که چگونه سایر بازیگران (فعالان) همانند سازمان‌های جامعه مدنی، ممکن است نقشی در تصمیم‌گیری در زمینه دغدغه عمومی ایفا نمایند. حکمرانی بومی، حوزه‌ای است که پیچیدگی خاصی دارد، چراکه این نوع حکمرانی «فضایی» جهت انواع جدید دولت در حوزه‌های قضایی ایجاد می‌نماید که تاکنون از طریق ساختارهای دولت استانی و ملی بکار گرفته می‌شد.

8 . Governance

9 . government

10 . institution

11 . actors

12 . players

13 . representation

14 . non-governmental organizations (NGOs)

15 . Plumptre, &amp; Graham

16 . the 'zones' of governance

17 . where to go

18 . Aboriginal

19 . local

حکمرانی شرکتی<sup>۲۰</sup> (حکمرانی در فضای «شرکت»): که در برگیرنده فعالیت‌های سازمان‌هایی است که معمولاً به هیئت مدیره پاسخگو هستند. چنین سازمان‌هایی مالکیت خصوصی داشته و به طور خصوصی عمل می‌نمایند، همانند شرکت‌های تجاری (پلامتر و گراها ۱۹۹۹).

### اهمیت حکمرانی: بستر و پیامدها

حکمرانی با مسائلی از این قبیل مرتبط است که چگونه قدرت در میان بخش‌های مختلف یا منافع مختلف در جامعه اعمال می‌گردد همانند آزادی‌های سنتی که می‌بایست از آن لذت برد، تجارتی که ممکن است بوقوع بپیوندد، هنر و فرهنگی که ممکن است شکوفا شود. به عبارت دیگر، حکمرانی به خودی خود حائز اهمیت است. حکمرانی خوب، حالت یا مدلی از حکمرانی است که منجر به تحقق نتایج اقتصادی و اجتماعی مطلوب شهروندان می‌گردد.

درحالیکه دولت نفوذ قابل توجهی در بسیاری از موضوعات مرتبط با دغدغه‌های عمومی دارد، ولی دولت، تنها یکی از بازیگران متعدد در این زمینه است. به موازات اینکه مسئله پیچیده‌تر شده و محدودیت‌های دولت بیشتر می‌گردد، واضح است که برنامه‌های دولت از نقش تعیین کننده منحصر به فرد شرایط اقتصادی و اجتماعی دور می‌شود.

حکمرانی، فضای فکری جدیدی را گشوده است. حکمرانی مفهومی است که امکان مباحثه در زمینه نقش دولت در مواجهه با مسائل عمومی و سهمی که سایر بازیگران ممکن است ایفا نمایند، ایجاد می‌کند. حکمرانی، ذهن افراد را درمورد این امکان که گروهایی در جامعه به غیر از دولت (همانند اجتماعات، یا بخش داوطلبانه) ممکن است نقش مهمی در مورد خطاب قرار دادن مشکل داشته باشند، باز می‌نماید (پلامتر و گراها ۱۹۹۹).

### پیشینه حکمرانی خوب

سندوق بین المللی پول (IMF) و بانک جهانی از جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌های روابط اقتصادی در سطح جهان برخوردارند. هر دو سازمان دارای اعضای در سطح جهانی می‌باشند و در قبال دولت‌ها نیز در سراسر جهان پاسخگو هستند. در دهه ۱۹۹۰، این دو سازمان بر آن شدند تا از استانداردهای بالای مشروعیت، نمایندگی و پاسخگویی جهت وام دادن به کشورها، آنها را بر اساس موارد فوق ارزیابی نمایند. این استانداردها تحت عنوان «حکمرانی خوب» معروف گردید که شامل شفافیت، پاسخگویی، اثربخشی، بی‌طرفی، مشارکت و مالکیت<sup>۲۱</sup> بود (مقیمی و اعلائی، ۸۸ به نقل از نئومایر<sup>۲۲</sup>، ۲۰۰۲: ۹۱۳؛ وود<sup>۲۳</sup>، ۲۰۰۰: ۸۲۳).

### عوامل پیدایش تئوری حکمرانی خوب

۱. افزایش بحران‌های مالی: از اواخر دهه ۱۹۷۰ آزادسازی بازارهای مالی در درون کشورها و بین کشورها آغاز شد. در کشورها تعیین نرخ بهره و سهم بخش‌های اقتصادی که پس از رکود بزرگ در دست دولت‌ها بود، به نظام بازار واگذاشته شد... از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ به طور متوسط هر ساله یک بحران بانکی و ۲/۶ بحران ارزی در جهان رخ می‌داد... به عبارت دیگر آزادسازی مالی و مداخله کمتر دولت در نظام پولی و ارزی از دهه ۱۹۸۰ موجب گسترش شدید بحران‌های مالی شد.

۲. تحول عملکرد اقتصاد جهانی: انتظار می‌رفت که که با پذیرش الگوی دولت حداقل در اقتصاد جهانی، عملکرد کشورها بهبود یابد. مطالعات مختلف حکایت از عملکرد ضعیف اقتصاد جهانی در دوره ۱۹۸۰ به بعد (که الگوی سیاست‌گذاری به سوی دولت حداقل تغییر یافت) دارد. مقایسه این دوره با دوره پس از جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۸۰ می‌تواند تاثیر این سیاست بر اقتصاد جهانی را روشن سازد. نگاهی اجمالی به وضعیت اقتصادی این دو دوره نشان می‌دهد که عملکرد دوره دوم بدتر از دوره نخست بوده، نرخ رشد اقتصادی در اکثر کشورهای جهان کاهش یافته و نابرابری افزایش یافته است.

۳. عملکرد اقتصادی کشورهای در حال گذر: پس از فروپاشی بلوک شرق، الگوی اقتصادی این کشورها از برنامه‌ریزی متمرکز به اقتصاد بازار تغییر یافت... هر چند انتظار می‌رفت گذر از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار با مشکلاتی روبرو باشد، اما آنچه در حوزه اقتصاد در این کشورها به وقوع پیوست به معنای واقعی کلمه یک فاجعه اقتصادی بود (میدری، ۸۵).

علاوه بر این، علت اصلی پیدایش «حکمرانی خوب»، توسعه اقتصادی و مادی بوده است. در باره توسعه، سه رهیافت «دولت بزرگ»، «دولت کوچک»، و الگوی «حکمرانی خوب» وجود داشته است. با توجه به اینکه از نظر کارشناسان نهادهای بین المللی، دو رهیافت اول دارای

<sup>20</sup> . Corporate governance

<sup>21</sup> . Ownership

<sup>22</sup> . Neumayer

<sup>23</sup> . Woods

ضعف‌هایی بوده و کارایی لازم خود را از دست داده است، آنها رهیافت «حکمرانی خوب» را به عنوان بهترین عامل توسعه پذیرفته و آن را به کشورهای در حال توسعه پیشنهاد نموده‌اند (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳).

### شاخص‌های حکمرانی خوب

از دیدگاه کافمن شاخص‌های حکمرانی خوب عبارتست از:

- ❖ **پاسخگویی و حق اظهار نظر**<sup>۲۴</sup> (میزان مشارکت مردم در انتخاب نوع حکومت و دولت مورد نظرشان، آزادی بیان، آزادی انجمن-های حقوقی و حقیقی و آزادی رسانه‌ها)،
- ❖ **ثبات سیاسی و دوری از خشونت**<sup>۲۵</sup> (میزان تحت تاثیر قرار گرفتن دولتها و حکومت‌ها ناشی از خطرات خشونت آمیز و غیر قانونی مثل تروریسم و غیره جهت براندازی و سرنگونی حکومت)،
- ❖ **کیفیت [تنظیم] قوانین و مقررات**<sup>۲۶</sup> (میزان توانایی دولت به تدوین و اجرای خطمشی و تنظیم آنها جهت حصول و بهبود توسعه بخش‌های خصوصی)،
- ❖ **اثر بخشی دولت**<sup>۲۷</sup> (میزان کیفیت خدمات دولتی، خدمات مدنی و میزان عدم وابستگی این خدمات از فشارهای سیاسی، کیفیت تدوین و اجرای خطمشی و اعتبار التزام و تعهد دولت به اجرای این سیاست‌ها و خطمشی‌ها)،
- ❖ **حاکمیت قانون**<sup>۲۸</sup> (میزان برابری افراد، نهادها و گروه‌ها در برابر حاکمیت قانون)،
- ❖ **مهار فساد**<sup>۲۹</sup> (میزان اقدامات انجام گرفته از سوی دولت و تاثیر آنها بر کاهش میزان فساد اداری در سطح جامعه و سازمان‌های دولتی). (کافمن<sup>۳۰</sup> و همکاران، ۲۰۰۹: ۱-۴).

### ویژگی‌های حکمرانی خوب

**مشارکت**<sup>۳۱</sup>: تمامی زنان و مردان جامعه می‌بایست نقشی (مستقیم یا غیر مستقیم) در تصمیم‌گیری داشته باشند. چنین مشارکت گسترده‌ای بر مبنای آزادی بیان و اجتماعات و نیز ظرفیت‌هایی جهت مشارکت سازنده ایجاد می‌گردد.

**حاکمیت قانون**<sup>۳۲</sup>: چارچوب‌های قانونی می‌بایست منصفانه بوده و به طور بی طرفانه اجرا گردد، بخصوص قوانین حقوق بشر.

**شفافیت**<sup>۳۳</sup>: شفافیت بر مبنای جریان آزاد اطلاعات بنا شده است. فرآیندها، نهادها و اطلاعات می‌بایست مستقیماً در دسترس افرادی باشند که به آنها نیاز دارند، و اطلاعات کافی به منظور فهم و نظارت‌شان ارائه گردد.

**پاسخ‌دهی**<sup>۳۴</sup>: نهادها و فرآیندها باید جهت خدمت‌رسانی به تمامی ذینفعان تلاش نمایند.

**اجماع‌گرایی**<sup>۳۵</sup>: حکمرانی خوب، میانجی‌گر منافع مختلف به منظور حصول اجماع وسیعی است که در آن بهترین منافع گروه، و در صورت امکان در سیاست‌ها و رویه‌ها، وجود داشته باشد.

**یکسان‌نگری**<sup>۳۶</sup> (برابری): تمامی مردان و زنان فرصت‌هایی جهت بهبود یا حفظ رفاه خود دارند.

**اثر بخشی و کارایی**<sup>۳۷</sup>: فرآیندها و نهادها، نتایجی ایجاد می‌نمایند که منجر به تامین نیازها و در عین حال بهترین استفاده از منابع می‌گردد.

24 . Voice and Accountability  
 25 . Political Stability and Absence of Violence  
 26 . Regulatory Quality  
 27 . Government Effectiveness  
 28 . Rule of Law  
 29 . Control of Corruption  
 30 . Kaufmann  
 31 . Participation  
 32 . Rule of Law  
 33 . Transparency  
 34 . Responsiveness  
 35 . Consensus orientation  
 36 . Equity  
 37 . Effectiveness and efficiency

**پاسخگویی**<sup>۳۸</sup>: تصمیم‌گیران در دولت، سازمان‌های بخش خصوصی و جامعه مدنی نسبت به عموم، همچنین نسبت به ذینفعان پاسخگو هستند. این نوع از پاسخگویی بسته به نوع سازمان‌ها و اینکه آیا تصمیم داخلی است یا خارجی، متفاوت است.

**چشم‌انداز استراتژیک**<sup>۳۹</sup>: رهبران چشم‌اندازی بلند-مدت و وسیعی در حکمرانی خوب و توسعه انسانی دارند، همچنین درک اینکه چه چیزی جهت چنین توسعه‌ای نیاز است. همچنین، درک پیچیدگی‌های اجتماعی و فرهنگی و تاریخی به نحوی که در آن چشم‌انداز مذکور قرار داشته باشد (پلامتر و گراها ۱۹۹۹).

### اصول پنجگانه حکمرانی خوب

برنامه توسعه ملت‌های متحد (UNDP)<sup>۴۰</sup> ویژگی‌های مذکور حکمرانی خوب را دسته‌بندی کرده و تحت عنوان اصول پنجگانه حکمرانی خوب معرفی نموده است. اصول پنجگانه حکمرانی خوب از دیدگاه برنامه توسعه ملت‌های متحد (UNDP) به شرح ذیل می‌باشد:

جدول ۱: اصول پنجگانه حکمرانی خوب

ردیف	اصول پنجگانه حکمرانی خوب	شاخص‌ها
۱	مشروعیت و حق اظهار نظر <sup>۴۱</sup>	❖ مشارکت ❖ اجماع‌گرایی
۲	هدایت (مسیر) <sup>۴۲</sup>	❖ چشم‌انداز استراتژیک
۳	عملکرد <sup>۴۳</sup>	❖ پاسخ‌دهی ❖ اثربخشی و کارایی
۴	پاسخگویی <sup>۴۴</sup>	❖ شفافیت ❖ پاسخگویی
۵	انصاف <sup>۴۵</sup>	❖ حاکمیت قانون ❖ یکسان‌نگری (برابری)

شکل زیر در واقع ابعاد تعریف شده برای حکمرانی خوب از سوی مجامع و دیگر نهادهای بین‌المللی است. این شکل نشان می‌دهد که حکمرانی خوب شامل دو بعد اصلی سیاسی و اقتصادی است. بعد سیاسی را می‌توان به چهار بخش: مشروعیت حکومت (دولت)، پاسخگویی دولت، شایستگی دولت و تساوی در برابر قانون (حقوق بشر) تقسیم کرد. بعد اقتصادی نیز شامل مدیریت بخش دولتی، پاسخگویی سازمان، تساوی در برابر قانون (حقوق مالکیت و غیره) و شفافیت (شامل آزادی اطلاعات) می‌شود (مقیمی و اعلائی، ۸۸: ۱۲۹ به نقل از پانیاراتاباندل<sup>۴۶</sup>، ۲۰۰۴).

38 . Accountability

39 . Strategic vision

40 . The United Nations Development Program (UNDP)

41 . Legitimacy and Voice.

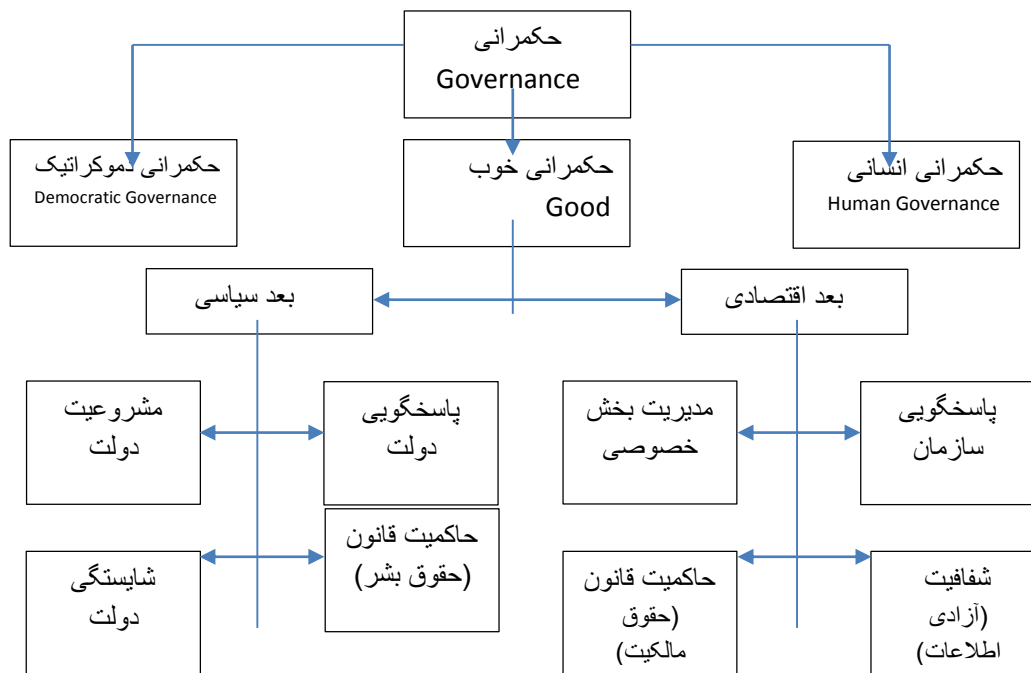
42 . Direction

43 . Performance

44 . Accountability

45 . Fairness

46 . Punyaratabandhu



نمودار ۱: ابعاد مختلف حکمرانی

### تعاریف حکمرانی و حکمرانی خوب

در جدول زیر، تعاریف مختلف حکمرانی و حکمرانی خوب بیان شده و وجه تمایز این دو مفهوم مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است (گریندل ۴۷، ۲۰۰۷).

جدول ۲: تعاریف حکمرانی و حکمرانی خوب

منبع	حکمرانی چیست؟	حکمرانی خوب چیست؟
بانک جهانی	فرآیند و نهادهایی که از طریق آن تصمیمات اتخاذ شده و اختیار (قدرت) در کشوری اعمال می‌گردد.	جامعیت و پاسخگویی مقرر در سه حوزه کلیدی: گزینش، پاسخگویی و جایگزینی مقامات (حق اظهارنظر و پاسخگویی؛ ثبات و فقدان خشونت)؛ کارآمدی نهادها، مقررات، مدیریت منابع (چارچوب منظم؛ اثربخشی دولت)؛ احترام قائل شدن برای نهادها، قوانین و تعاملات میان بازیگران جامعه مدنی، کسب و کار و خط‌مشی‌ها (کنترل نمودن فساد؛ حاکمیت قانون)
UNDP (1997)	اعمال اختیار اداری، سیاسی و اقتصادی جهت مدیریت نمودن امور یک کشور در تمامی سطوح. این امر دربرگیرنده مکانیسم‌ها، فرآیندها و نهادهایی است که از طریق آن شهروندان و گروه‌ها منافع خود را بخوبی بیان می‌نمایند، از حقوق قانونی خود بهره‌مند می‌شوند، وظایف خود را انجام می‌دهند، و میان اختلافات خود میانجیگری می‌نمایند.	مشارکت، شفافیت ... پاسخگویی ... اثربخشی و برابری ... ارتقاء حاکمیت قوانین ... تضمین می‌نماید که اولویتهای اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی مبتنی بر اجماع وسیع در جامعه بوده و اینکه اظهارنظرهای فقیرترین و آسیب‌پذیرترین افراد در تصمیم‌گیری‌ها شنیده می‌شود.
IMF (2005)	جهت اهداف IMF، محدود بودن به جنبه‌های اقتصادی حکمرانی ... در دو حوزه: بهبود مدیریت منابع عمومی ...؛	حصول اطمینان از حاکمیت قانون، بهبود کارایی و پاسخگویی بخش دولتی و مبارزه با فساد.

47 . Grindle

48 . United Nations Development Program

	<p>حمایت نمودن از توسعه و حفظ اقتصاد شفاف و پایدار و محیط منظمی که منجر به فعالیت‌های کارآمد بخش خصوصی می‌گردد ...</p>	
<p>هفت قابلیت کلیدی حکمرانی: اجرای سیستم‌های سیاسی که فرصت‌هایی برای تمامی مردم مهیا می‌نماید ... تاثیرگذاری بر فعالیت و خطمشی دولت؛ فراهم نمودن ثبات اقتصاد کلان ... ترویج رشد و ارتقائی که جهت کاهش فقر ضروری است؛ پیاده‌سازی خطمشی حامی فقرا؛ تضمین مهیاسازی جهانی و برابر خدمات مبنایی موثر؛ تضمین امنیت و ایمنی شخصی...؛ مدیریت نمودن ترتیبات امنیت ملی همراه با پاسخگویی لازم...؛ توسعه مدیریت پاسخگو و صادق.</p>	<p>چگونه نهادها، قوانین، و سیستم‌های دولت-اجرایی، مقننه، قضایی و نظامی- در سطوح محلی و مرکزی عمل می‌نمایند و چگونه دولت با آحاد شهروندان، جامعه مدنی و بخش خصوصی مرتبط می‌گردد.</p>	<p><b>DFID</b> (2001)</p>
<p>حکمرانی دموکراتیک: شفافیت، کثرت‌گرایی، مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری، نمایندگی، و پاسخگویی؛ تمرکز خاص بر پنج حوزه: تقویت قانون‌گذار (مقننه)، تمرکز زدایی و حکمرانی محلی دموکراتیک، مبارزه با فساد، روابط نظامی- مدنی<sup>۵۰</sup>، و بهبود اجرای خطمشی.</p>	<p>توانایی دولت در توسعه فرآیند مدیریت دولتی کارآمد، اثربخش و پاسخگویی که مشارکت شهروندان قادر به مشارکت در آن بوده و تقویت سیستم دموکراتیک دولت بجای تضعیف آن.</p>	<p><b>USAID</b> (2005)</p>
<p>می‌توان همراه با پنج بعد (مشارکت، انصاف، شایستگی، کارایی، پاسخگویی، و شفافیت) در هر یک از شش حوزه (جامعه مدنی، جامعه سیاسی، دولت، بوروکراسی، جامعه اقتصادی، قضایی) سنجیده شود</p>	<p>فرمول بندی و نظارت بر قوانین رسمی و غیررسمی که حوزه عمومی را تنظیم می‌نماید، حوزه‌ای که دولت و نیز بخش اجتماعی و اقتصادی جهت اتخاذ تصمیم بایکدیگر در تعاملند.</p>	<p><b>Hyden et al.</b> (2004)</p>
<p>می‌توان از طریق شش بعد (حق اظهارنظر و پاسخگویی بیرونی؛ ثبات سیاسی و فقدان خشونت، جرم، و تروریسم؛ اثربخشی دولت؛ فقدان مسئولیت نظارتی؛ حاکمیت قانون، کنترل نمودن فساد) سنجیده شود.</p>	<p>اعمال اختیار از طریق نهادها و سنت‌های رسمی و غیر رسمی جهت کالای عمومی، بنابراین این امر مشتمل بر: (۱) فرآیند‌گزینش، نظارت، و جایگزینی دولت‌هاست، (۲) ظرفیت تدوین و اجرای خطمشی‌ها و ارائه خدمات عمومی، (۳) احترام قائل شدن شهروندان و دولت برای نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آنها را تحت تاثیر و کنترل خود دارند.</p>	<p><b>Kaufmann</b> (2003)</p>
<p>فرآیندهایی که از طریق آن درک خلاق‌تر و کمتر تکنیکی اصلاحات یکپارچه می‌گردد، گفتگوهای بسیار درمورد تغییرات نهادی و برنامه‌ای، دغدغه بسیار درمورد جو عمومی (دولت و جامعه مدنی) و اینکه چگونه می‌توان آن را تقویت نمود، یکپارچگی زیاد در خطمشی اقتصادی و اصلاحات نهادی، اهتمام زیاد بر عوامل ملی و بین‌المللی که دولت را تحت تاثیر قرار می‌دهد.</p>	<p>اعمال اختیار درون حوزه معین ... مدیریت کارآمد طیف وسیعی از سازمان‌ها و فعالیت‌ها ... به اجماع رسیدن، یا کسب موافقت یا رضایت لازم جهت انجام برنامه، در حوزه‌ای که منافع بسیار مختلفی وجود دارد.</p>	<p><b>Hewitt de Alcántara</b> (1998)</p>

### بررسی و نقد دیدگاه حکمرانی خوب

همان گونه که بیان گردید خاستگاه و منشأ اصلی اندیشه حکمرانی خوب، اقتصاد و توسعه اقتصادی است. اصل قضیه از آنجا شروع شد که سیاست‌های توسعه‌ای بانک جهانی در برخی کشورها جواب نداد و با مشکل رو به رو شد و نظریه پردازان بانک جهانی، برای حل مشکل،

<sup>49</sup> . Department for International Development

<sup>50</sup> . civil-military relations



ایده حکمرانی خوب را طرح کردند. از این رو، فلسفه کاپیتالیسم، در پشت پرده این نظریه کاملاً هویداست و به روشنی می‌توان دید که دغدغه اصلی، حل مشکل چرخه اقتصاد جهانی و دنیای سرمایه داری است. به عبارت دیگر، اندیشه حکمرانی خوب بر مفروضات فلسفه کاپیتالیسم استوار است و از این رو، تمام اشکالاتی که بر فلسفه کاپیتالیسم وارد است به نوعی می‌توان بر این نظریه وارد دانست. اشکال مهم و اساسی کاپیتالیسم این است که اصل، اساس و محور سعادت فردی و اجتماعی را بر خورداری هرچه بیشتر از سرمایه و ثروت می‌داند و رکن اساسی جامعه را اقتصاد و ثروت های مادی تلقی می‌کند. روح ایده حکمرانی خوب نیز این است که حکمرانی آن گاه خوب است که به استحکام و تثبیت بنیان های اقتصادی و رفاه مادی جامعه بینجامد. این تلقی، به ویژه بر مبنای نگرش اسلامی، دارای اشکالات جدی و اساسی است. اگر کشوری در همه شاخص های شش یا هشت گانه مذکور در حکمرانی خوب امتیاز کامل را کسب کند، بدین معنا نخواهد بود که فضایل اخلاقی رشد و توسعه یافته و افراد آن جامعه انسان هایی اخلاقی اند. در این نظریه حتی اگر شاخص هایی نظیر حاکمیت قانون و میزان فساد طرح شده، برای اطمینان از امنیت سرمایه داران است و نه به خاطر خود قانون یا فساد. به عبارت دیگر اگر بین این دو متغیر و متغیر اقتصاد رابطه ای وجود نداشت، طرفداران حکمرانی خوب به آن توجهی نمی‌کردند. آرمان ما تحقق ارزش های اسلامی و جامعه ای مبتنی بر آن است. حکمرانی نیز از منظر ما آنگاه خوب است که به بسط و گسترش و تثبیت باورها و ارزش های اسلامی بینجامد و در آن مسیر حرکت کند. از این رو، توسعه ای که فقط به بهبود رفاه مادی و اقتصادی منجر شود مطلوب اسلام نیست. این در حالی است که چارچوب حکمرانی خوب، در ارزیابی وضعیت حکمرانی و رتبه بندی کشورها هیچ توجهی نسبت به دین و ارزش های دینی ندارد. با تأمل در این نظریه می‌توان دریافت که یکی از مبانی آن، پذیرش تفکر «اومانیسم» که بیش از دو دهه است که در غرب ترویج می‌شود، امروزه در تمام زوایا و تا عمق فرهنگ غرب رخنه کرده و تمدن و فرهنگ غرب جدید مبتنی بر آن شکل گرفته است. اومانیسم تفکری است که در یک جمله، محور همه تحلیل های خود را انسان قرار می‌دهد و همه چیز را در خدمت انسان می‌بیند و می‌خواهد. این در حالی است که بینش اسلامی خدامحور است و به دنبال انسان و جامعه ای است که دل در گرو خداوند داشته و گوش به فرمان او باشد و همه ابعاد زندگی اش را نه در راستای میل و خواست خود، بلکه در مسیر اراده و خواست خدای متعال سامان دهد. از مبانی دیگر حکمرانی خوب، «لیبرالیسم» است. فلسفه لیبرالیسم امروزه در فرهنگ غرب امری مسلم و برگشت ناپذیر تلقی می‌شود و جزو اصلی ترین مؤلفه ها و پایه های تمدن و فرهنگ غرب جدید به حساب می‌آید. شاخص های ارائه شده بر ای حکمرانی خوب نیز در واقع با مفروض گرفتن این فلسفه تدوین و ارائه شده است. این در حالی است که از منظر بینش و فرهنگ اسلامی اصول و مبانی لیبرالیسم پذیرفته نیست و فلسفه لیبرالیسم با نگرش و تفکر اسلامی تغایرها و تضادهای جدی و اساسی دارد. برای مثال «باحی‌گری» و «مدارا و تساهل» از جمله مؤلفه های فلسفه لیبرالیسم به شمار می‌آید» که از دیدگاه اسلامی مردود و دارای اشکالات اساسی است (نادری، ۱۳۹۰).

### حکمرانی خوب (متعالی یا مطلوب) از دیدگاه اسلام

همانطور که در قسمت قبل بیان شد، ایده اصلی حکمرانی خوب این است که حکمرانی آن گاه خوب است که به استحکام و تثبیت بنیان های اقتصادی و رفاه مادی جامعه بینجامد. حکمرانی نیز از منظر اسلام آنگاه خوب است که به بسط و گسترش و تثبیت باورها و ارزش های اسلامی بینجامد و در آن مسیر حرکت کند. به عبارت دیگر، متافیزیک حکمرانی خوب تفاوت های بسیاری با متافیزیک اسلامی داشته و در نتیجه در مقام کاربرد نیز این دو بینش تفاوت هایی دارند. عناصر اصلی متافیزیک حکمرانی خوب به شرح ذیل می‌باشد:

۱. حکمرانی خوب از نظر هستی شناسی، معتقد به «اصالت فرد» در مقابل اصالت جامعه است.
  ۲. از نظر انسان شناسی معتقد به «اومانیسم» است و همه چیز را در محور انسان (و نه خدا) ارزیابی می‌کند.
  ۳. از نظر معرفت شناسی معتقد به «اصالت حواس» است.
  ۴. از نظر روش شناسی، روش را منحصر به روش تجربی می‌داند و روش وحیانی را انکار می‌کند (حسینی تاش، و واثق، ۱۳۹۳).
- در نتیجه جهت بررسی حکمرانی خوب از دیدگاه اسلام در وهله نخست می‌بایست مشخص نمود که متافیزیک اسلامی در این باب حائز چه شرایط و مفاهیمی است چراکه به طور کلی می‌توان بیان نمود که متافیزیک، شکل دهنده فرضیه ها، مفاهیم و در نهایت نحوه کاربرد است.

### پیش فرض های اسلامی در حوزه حکمرانی

از منظر اسلام، راه های کسب معرفت تنها منحصر به حواس ظاهری نیست بلکه بینش وحیانی و عقل نیز از منابع معرفت محسوب می‌شود. از بعد انسانی، انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است و همان اندازه که برای بعد مادی اهمیت قائل است، برای بعد معنوی نیز قائل است. از بعد روشی، روش را منحصر به تجربه نمی‌داند بلکه روش وحیانی را نیز مهم تلقی می‌کند (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳). علاوه بر این، از نظر غایت، هیچ کس بیپوده آفریده نشده است، غایت انسان، سعادت مندی است. همچنین، تأکید این بینش بر جامعه است، این امر اشاره به

اصلت جمع در برابر فرد دارد. اما صرف تجمع یا کمیت نفرات اصلتی ندارد، بلکه وحدت‌بخشی افکار و اندیشه‌ها و تالیف قلوب مد نظر است (درخشه و شجاعی، ۱۳۹۴)

از سوی دیگر، حاکم و رهبر حکومت دینی، در اثر علم و تقوا و عدالتی که دارد، به خدا و مردم جامعه خویش نزدیک است. از این رو، در مقام نصرت و یاری مردم برمی‌آید و می‌کوشد تا آنان را به خدا نزدیک سازد. همچنین، زعامت و ریاست او سبب نمی‌شود که از مردم فاصله بگیرد. او مانند یک پدر مهربان، برای مردم دلسوزی می‌کند. پیامبر اکرم<sup>ص</sup> فرمود: «یا علی انا و انت ابوا هذه الامه؛ ای علی! من و تو، دو پدر این امت هستیم.»

از این رو، باید گفت هدف اساسی در حکومت ولایی و امامت، رساندن مردم به کمال نهایی و سعادت حقیقی یا همان قرب الی الله است. بر این اساس باید رابطه متقابل میان حکومت و مردم از نوع رابطه میان پدر و فرزند باشد، به گونه‌ای که حاکم اسلامی امارت و فرمانروایی خود را بر پایه محبت و قرب قرار دهد تا مردم بتوانند در سایه این حکومت حق، هم به رفاه و آسایش مادی و هم به کمال معنوی برسند و از بدبختی و هلاکت مادی و معنوی رهایی یابند. اگر حکومتی دارای این انگیزه و هدف باشد، حکومت صالح است و اگر هدف، ریاست و فرمانروایی ظاهری باشد و انگیزه حاکم تنها به دست آوردن امتیازات مادی باشد، این حکومت ناصالح است و مورد امضای خداوند متعال نخواهد بود. لازم است حکومت الهی سعی کند تا ارتباط مردم را به خدا محکم کند و در گسترش فضایل اخلاقی و برقراری احکام خدا کوتاهی نکند. مؤمنان کسانی هستند که اگر به آنان قدرت در روی زمین بدهیم، نماز را اقامه می‌کنند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و برای خداوند است پایان همه کارها<sup>۵۱</sup>.

این آیه، هدف از قدرت و حکومت را برقراری احکام خدا مانند اقامه نماز، ادای زکات، گسترش کارهای پسندیده و مبارزه با فساد معرفی کرده است. از این رو، بر حاکم اسلامی لازم است این موضوع را در صدر همه برنامه‌هایش قرار دهد و بر آن تأکید ورزد. علاوه بر این، حکومت در این دیدگاه به عنوان یک مسئولیت بزرگ در برابر خدا نسبت به خلق معرفی شده است (محامد، ۱۳۸۷).

حضرت علی (ع) انگیزه خود از پذیرش حکومت را چنین بیان می‌نماید: «پروردگارا تو می‌دانی آنچه ما انجام دادیم نه برای این بود که ملک و سلطنتی بدست آوریم و نه برای اینکه از متاع پست دنیا چیزی تهیه نماییم، بلکه بدان سبب بود که نشانه‌های از بین رفته دینت را بازگردانیم و صلح و اصلاح را در شهرهای آشکار سازیم تا بندگان ستم دیده‌ات در ایمنی قرار گیرند و قوانین و مقرراتی که فراموش شده است بار دیگر عملی گردد». بنابراین اهداف تشکیل حکومت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع) عبارتند از گسترش معنویت، ایجاد امنیت و افزایش رفاه در جامعه (به خصوص احقاق حق افراد ستم‌دیده) و حاکمیت قوانین [اسلامی].

همچنین از این منظر، حکمران امین و پاسبان حقوق مردم و مسئول در برابر آنهاست. حکمرانی و حکومت نیز وسیله و امانتی جهت خدمت به خدا و بندگان می‌باشد (شاه آبادی و جامه بزرگی، ۱۳۹۲).

در نهایت نکته حائز اهمیت اینکه، برای نظریه‌های اسلامی نباید از اصطلاحات و واژگانی بهره گرفت که در نظریه‌های مبتنی بر فرهنگ مادی مورد بحث قرار می‌گیرند. حتی اگر برخی عبارات، اصطلاحات و واژگان با مفاهیم اسلامی مشترک باشند. زیرا با برداشت‌ها و معیارهای فرهنگ غربی مطرح شده است و دارای ابعاد مفهومی و شاخص‌هایی است که قطعاً متفاوت از معیارهای و شاخص‌های فرهنگ اسلامی است (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام- به نقل از حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳).

## نسبت دین و مردم سالاری

در این قسمت برآنیم که ابتدا بررسی نماییم که آیا «مردم سالاری دینی» معنادار است یا نه. سپس می‌توان در مورد شرایط و ویژگی‌های آن بحث نمود. از جمله مباحث مهم در فلسفه سیاسی اسلام، بررسی نسبت میان اسلام و مردم سالاری است. شماری به ناسازگاری و شماری به سازگاری اسلام و مردم سالاری نظر دارند.

گروه نخست کسانی هستند که دموکراسی را درخور جمع با دین نمی‌دانند، چرا که قرائت آنان از دموکراسی و دین، قرائت لیبرالی و غربی است. همچنین دین دارانی که در نگاه آنان، دین با دموکراسی درخور جمع نیست. در قرائت اینان نیز جمع بین دین و مردم سالاری، تحمیلی و مصنوعی و محقق ناشدنی است.

گروه دوم، یعنی کسانی که به سازگاری مردم سالاری با اسلام باور دارند نیز، از دو گروه زیر تشکیل می‌شوند:

۱. کسانی که معتقدند مردم سالاری دینی بخشی از نظریه سیاسی اسلام در باب حکومت را تشکیل می‌دهد. از نگاه اینان، مردم سالاری در اندیشه سیاسی اسلام، عنصری اصیل بوده و جزء جدایی ناپذیر نظریه حکومت اسلامی به شمار می‌آید. و در صدر اسلام در تجربه نبوی و علوی به کار گرفته شده است.

<sup>۵۱</sup> . الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج: ۴۱).

۲. کسانی که مردم سالاری را بیش تر روشی برای حکومت کردن می دانند که مخالفت و تضادی با اندیشه سیاسی اسلام ندارد و به عنوان یک شیوه موفق و مثبت، درخور جذب، هضم و ترکیب و تطبیق با جوهره اندیشه حکومت اسلامی است. در این نگرش، نظام سیاسی اسلام، محتوایی است که با روشهای گوناگون قابل تحقق است، از جمله این روشها، شیوه مردم سالاری است.

ارزیابی این جریان از مردم سالاری و دین، متفاوت از جریان نخست است. این جریان، مردم سالاری و دموکراسی را صرفاً روشی برای توزیع قدرت و شیوه ای کار آمد در اداره امور جامعه می داند، و دین را نیز امری شخصی و نسبی نمی داند، بلکه به جامعیت دین باور دارد. آنها معتقدند که دموکراسی به عنوان یک روش می تواند در یک چهارچوب خاصی محدود شود. یعنی اصول و مبانی خاصی را به عنوان امور حق بپذیرد و آن گاه دموکراسی و مردم سالاری را در چهارچوب حفظ این مبانی و اصول به کار بندد. جمع بین دموکراسی و دین امکان پذیر است.

در چنین تصویری از دموکراسی، نخست آن که، نسبی گرایی و تکثر گرایی معرفتی به کنار نهاده شده است، زیرا اعتقاد به حقانیت و درستی چهارچوب وجود دارد.

دوم، انتخاب گری افراد مطلق نیست، بلکه مقید است، زیرا در چنین نگرشی به دموکراسی، افراد نمی توانند چیزی را که ناسازگار با آن چارچوبها و اصول و مبانی پذیرفته شده است، انتخاب کنند.

دموکراسیهای لیبرال، براساس همین ارزیابی از دموکراسی شکل گرفته اند. لیبرالهای نخستین، در ابتدای طرح دموکراسی و اعتبار انتخاب اکثریت، چندان روی خوشی به آن نشان نمی دادند. زیرا از این مسأله هراس داشتند که چه بسا رأی اکثریت به نابودی و حذف ارزشهای لیبرالی، همانند احترام به مالکیت خصوصی و آزادی تجارت و بازار اقتصاد آزاد، تسامح و تساهل و آزادیهای مذهبی و آزادی اندیشه و بیان بینجامد. از این روی، می خواستند که دموکراسی را در چهارچوب این ارزشها مهار کنند، به گونه ای که خواست اکثریت نتواند برخی از این اصول را کنار زند. بنا بر این، میان اعتقاد به حقانیت لیبرالیسم و درستی اصول و ارزشهای آن، با دموکراسی ناسازگاری نیست و می توان دموکراسی را به عنوان یک روش مقید در چهارچوب اصول و ارزشهای لیبرالی تصور کرد و از لیبرال دموکراسی سخن گفت. حال که چنین است چرا ما نتوانیم دموکراسی روشی را در چهارچوب اصول و مبانی اسلامی محصور کنیم و بگوییم: بنا براین، همان گونه که لیبرالیسم، دموکراسی را در چهارچوب خودش مهار می کند، اسلام نیز دموکراسی را در چهارچوب خود محصور می کند. از این روی می توان گفت: دموکراسی و اسلام هیچ گونه ناسازگاری با یکدیگر ندارند (مزینانی، ۱۳۹۳).

### مردم سالاری دینی

مردم سالاری دینی بر آن است تا ضمن پاسداشت حقوق شهروندان در حوزه سیاست و اداره امور جامعه، اصول و مبانی ارزشی اسلام را رعایت کند. به عبارت دیگر، مردم سالاری دینی به مدلی از حکومت و نظام سیاسی اطلاق می شود که به ترکیبی از حاکمیت دین و حاکمیت مردم، پای بند است. به این معنی که در عین پذیرش حق دخالت و مشارکت آحاد مردم در فرایند تصمیم گیریهای کلان سیاسی - اجتماعی و توزیع قدرت، اقتدار و مرجعیت دین را در شئون اجتماعی و سیاسی جامعه دینی، نه تنها به رسمیت می شناسد که ضروری می داند. مقام معظم رهبری درباره این روش حکومتی می فرماید: «مردم سالاری دینی، دارای دو وجه است که یک وجه آن نقش مردم در تشکیل حکومت و انتخاب مسئولان و وجه دیگر آن رسیدگی به مشکلات مردم است که بر همین اساس، مسئولان باید مشکلات مردم را به طور جدی پی گیری و رسیدگی نمایند».

بر این اساس، «نظام مردم سالار دینی»، تنها به آن معنی نیست که رأی و نظر مردم در حاکمیت نقش دارد و مردم با حضور خود بر سر صندوقهای رأی، در انتخاب مسئولان در سطوح گوناگون حاکمیت و در قالب شوراهای شهرو شهرستان و روستا و نظارت بر حکومت دخالت می کنند، بلکه افزون بر آن، در تلاش پی گیر نظام در خدمت گذاری به مردم نیز قابل رؤیت است. در این تعریف از مردم سالاری، مردم شأن و منزلتی برتر از آن چه در دموکراسی غربی دیده شده، می یابند.

مقام معظم رهبری در تشریح مردم سالاری دینی می گوید: «بنده اصرار دارم که به جای تعبیر «دموکراسی» از «مردم سالاری دینی» استفاده شود. تعبیر دموکراسی، یک تعبیر غربی و وارداتی است، تعبیری که به صورت دقیق و همه جانبه، جز با همان فرهنگ غلط و دور از معنویت تطبیق نمی کند و خودشان هم نشان داده اند که این فرهنگ و این خواسته عملی هم نیست. شما مشکلات دموکراسی را در دنیا می بینید. اما در مردم سالاری دینی، حاکمیت دین خدا با آراء مردم، با عقیده مردم، با ایمان مردم با خواست مردم و با عواطف مردم پیوند می خورد».

و نیز روشن می‌کند که: «مردم سالاری دینی، به معنای ترکیب دین و مردم سالاری نیست، بلکه یک حقیقت واحد در جوهره نظام اسلامی است؛ چرا که اگر نظامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند، بدون مردم نمی‌شود. ضمن آن که تحقق حکومت مردم سالاری واقعی هم بدون دین امکان پذیر نیست.

از سخنان امام خمینی نیز بر می‌آید که مردم سالاری، امری بسیط است، نه مرکب از دو واژه: مردم سالاری و دین، یعنی در متن دین، سالار بودن مردم نهادینه شده است. امام خمینی در مصاحبه با پرفسور حامد الگار، اندیشمند مسلمان آمریکایی، در توضیح علت عدم استفاده از واژه دموکراتیک در عنوان جمهوری اسلامی می‌گوید: «برای این که این اهانت به اسلام است، مثل این که بگویید: جمهوری اسلامی عدالتی، این توهین به اسلام است، برای این که عدالت متن اسلام است (مزینانی، ۱۳۹۳).

با توجه به آنچه گذشت، مردم‌سالاری می‌بایست در متن حکمرانی خوب قرار داشته باشد و به عبارت بهتر یکی از مولفه‌های مهم حکمرانی خوب، مردم‌سالاری است. البته در صورتی مردم‌سالاری دینی در متن حکمرانی خوب قرار خواهد گرفت که حکمرانی خوب به معنی واقعی کلمه مشتمل بر مردم و دین باشد و اشاره‌ای کوتاه و مجمل کفایت نمی‌کند. پژوهش حاضر بر این اعتقاد است که با افزودن جنبه‌های مختلف (علاوه بر منظرهای اقتصادی و سیاسی) به حکمرانی خوب، در صورتیکه جنبه‌های مذکور مبنای مردم‌سالاری دینی را احصا نمایند، می‌توان از حکمرانی متعالی (مطلوب یا جامع) صحبت نمود. حکمرانی خوب باعث می‌شود که صدای عامه مردم، زمانیکه تصمیمات اخذ و منابع تخصیص می‌یابد، به گوش برسد. این حکمرانی است که متعلق به مردم است و توسط مردم شکل می‌گیرد (مقیمی و اعلائی، ۸۸ به نقل از UNDP, 2005b: 47-48). گروه کاری موقت<sup>۵۲</sup> در بحث توسعه مشارکت و حکمرانی خوب که توسط کمیته همکاری توسعه (DAC) سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در سال ۱۹۹۳ تأیید گردید، اولین اصل خود را چنین عنوان نمود: «مردم‌سالاری و حکمرانی خوب دو عامل اصلی و اساسی در توفیق اهداف توسعه‌ای در قرن ۲۱ می‌باشد.» (مقیمی و اعلائی، ۸۸: ۱۱۹).

### روش‌شناسی پژوهش

برخلاف اغلب پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه، که براساس رویکرد و روش تجربی (اثبات‌گرایانه) این موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند، پژوهش حاضر از روش کیفی انجام شده است. همچنین، ماهیت پژوهش حاضر بنیادی است. جهت انجام این پژوهش، نظرات مختلف اندیشمندان مدیریت، نظرات اندیشمندان اسلامی راجع به مردم سالاری دینی و در نهایت سیره حکمرانی از دیدگاه امام علی (ع) مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است. براین اساس جهت بررسی متون مذکور از روش تحلیل محتوا (کد گذاریها متناسب با ترجمه فارسی این نامه در کتاب «پیام امام امیرالمومنین (ع)، شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه از آیت‌ا... مکارم شیرازی» صورت پذیرفته است) استفاده شده است. به عبارت دیگر، جهت معرفی شاخص‌های مطلوب و جامع حکمرانی خوب، از یک سو تحلیل و بررسی متون و نظریه‌های دانشمندان مدیریت، و از سوی دیگر، جهت معرفی شاخص‌های مکمل از الگوی حکمرانی معرفی شده در نهج البلاغه استفاده شده است.

### یافته‌های پژوهش

همانطور که بیان شد، شاخص‌های حکمرانی خوب از زاویه خاص و محدود به مسائل می‌نگرد و در نتیجه جهت رشد و شکوفایی حکمرانی خوب به معنای واقعی کلمه، می‌بایست از تک بعدی نگری دوری جست و سایر ابعاد مناسب در این حوزه را نیز قلمداد نمود. بر این اساس، در این قسمت شاخص‌هایی بیان می‌گردد که مکمل شاخص‌های پیشین (البته اگر این شاخص‌ها را در راستای پیش فرض‌های اسلامی بکار گرفته شوند) می‌باشند. شاخص‌های ذیل، در بخش ۱ با توجه به سیره حکمرانی در نامه ۵۳ نهج البلاغه و در بخش ۲ با توجه به شاخص‌های مردم سالاری دینی تبیین شده است:

**بخش ۱: سیره حکمرانی در نامه ۵۳ نهج البلاغه**

#### الف: منظر اجتماعی

شاخص‌های موجود در این زمینه عبارتند از:

**عام‌گرایی در مقابل خواص‌گرایی؛** یکی از ابعاد مهم از منظر اجتماعی، اهتمام بر امور عموم مردم بجای نزدیکان است. منطق عدالت بر این مبناست که خشنودی نزدیکان بر نارضایتی عموم مردم ترجیح داده نشود. در حکومت اسلامی و مردم سالاری دینی توجه به این امر یکی از نشانه‌های بر حق بودن و افزایش رضایت عمومی شهروندان است.

باید که محبوبترین کارها در نزد تو، کارهایی باشد که با میانه روی سازگارتر بوده و با عدالت دمسازتر و خشنودی رعیت را در پی داشته باشد زیرا خشم توده‌های مردم، خشنودی نزدیکان را زیر پای بسپرد و حال آنکه، خشم نزدیکان اگر توده‌های مردم از تو خشنود باشند،

ناچیز گردد. خواص و نزدیکان کسانی هستند که به هنگام فراخی و آسایش بر دوش والی باری گران اند و چون حادثه ای پیش آید کمتر از هر کس به یاریش برخیزند و خوش ندارند که به انصاف در باره آنان قضاوت شود. اما ستون دین و انبوهی مسلمانان و ساز و برگ در برابر دشمنان، عامه مردم هستند، پس، باید توجه تو به آنان بیشتر و میل تو به ایشان افزونتر باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).

### اهتمام به طبقات مختلف اجتماع؛

یکسان نگرستن به تمامی آحاد جامعه منجر به تصمیم‌گیری نامتناسب و غیر واقعی خواهد شد. بر این اساس، حکمران اسلامی می‌بایست نقش هر یک از اقشار جامعه را در نظر گرفته و متناسب با آن دست به اقدامات مقتضی بزند. به عبارت دیگر، یک بهترین تصمیم یا خط‌مشی برای تمامی طبقات جامعه وجود نخواهد داشت و به مقتضای طبقات، تصمیمات نیز می‌بایست متناسب و سازگار باشد. ای مالک بدان مردم یک کشور از گروه‌های متعددی تشکیل یافته‌اند که هر یک جز به وسیله دیگری اصلاح و تکمیل نمی‌شود و هیچ کدام از دیگری بی‌نیاز نیست.

- لشگریان خداوند (که امنیت و نظم جامعه را تأمین و از آسیب دشمنان حفظ می‌کنند).
  - نویسندگان عمومی و خصوصی (که برنامه آنها نگره داشتن حساب‌های مالی دولت، تنظیم بودجه، ثبت اسناد و تعلیم و تربیت مردم است).
  - قضات عدل و دادگستر (که به فصل خصومت و احقاق حقوق می‌پردازند).
  - عاملان انصاف و مدارا (و کارگزاران حکومت).
  - اهل جزیه و خراج از غیر مسلمانان هستند (و در برابر حفظ جان و مالشان به حکومت اسلامی مالیاتی می‌پردازند).
  - کشاورزان (که خراج کار بر روی زمین را می‌پردازند).
  - تاجران و صنعت‌گران.
  - طبقه پایین اجتماع از نیازمندان و محرومان
- خداوند برای هر کدام از این گروه‌ها سهمی مقرر داشته و در کتاب خود یا سنت پیغمبر (صلی الله علیه وآله) وظیفه جداگانه ای تعیین کرده که به صورت عهدی از سوی او در نزد ما محفوظ است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).

### یاری طبقه محروم؛

یکی از نقاط افتراق حکمرانی اسلامی و سایر حکمرانی‌ها (بخصوص نظام سرمایه‌داری)، اهتمام بر مسائل و مشکلات قشر محروم جامعه است. در مردم سالاری دینی، اصالت بر ثروت‌گرایی و نفع‌طلبی خلاصه نمی‌شود بلکه یاری طبقه محروم و مستمند در اولویت قرار خواهد گرفت. در بسیاری از جوامع، صرفاً منافع و مسائل اقشار توانمند جامعه تصمیم‌گیری و خط‌مشی گذاری را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد و این امر موجب تضییع حقوق سایر اقشار بخصوص قشر محروم می‌گردد:

خدا را خدا را (در نظر داشته باش) درباره طبقه پایین اجتماع؛ همان‌ها که راه چاره ای (حتی برای معیشت ساده) ندارند. آن‌ها مستمندان و نیازمندان و تهی‌دستان و از کار افتادگان هستند. هرگز غرور و سرمستی زمامداری، تو را به خود مشغول نسازد (و از رسیدگی به کار آنها باز ندارد). زیرا هرگز به بهانه کارهای فراوان و مهمی که انجام می‌دهی از ترک خدمات کوچک معذور نیستی. (با دقت) بررسی کن و برای این کار، فرد (یا افراد) مورد اطمینانی را که خداترس و متواضع باشند برگزین تا وضع آن‌ها را به تو گزارش دهند. سپس با این گروه آن گونه رفتار کن که به هنگام ملاقات پروردگار (در روز قیامت) عذرت پذیرفته باشد چرا که از میان رعایا، این گروه از همه به احقاق حق نیازمندترند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).

### گفتمان عمومی و حق اظهار نظر؛

یکی از ابتدایی‌ترین و در عین حال مهم‌ترین حقوق مردم در هر حکومتی، دیدار با مسئولین و بیان مشکلات و معضلات زندگی اجتماعی است. حکمرانی که در میان مردم حاضر نشده و سخنان آنان را نشوند چگونه خواهد توانست اولاً مشکلات آنان را تشخیص دهد و ثانیاً برای آن چاره‌اندیشی نماید؟ حق اظهار نظر یکی از حقوق اولیه شهروندان در مردم سالاری دینی است که از این طریق می‌توانند نقطه نظرات خود را به گوش کارگزاران عمومی برسانند. از دلایل مشارکت عمومی می‌توان بدین موارد اشاره نمود: تقویت اثربخشی<sup>۵۳</sup>، حل تعارضات<sup>۵۴</sup>، افزایش

<sup>53</sup> . enhance effectiveness

<sup>54</sup> . resolve conflicts

مسئولیت مالی<sup>۵۵</sup>، تقویت آگاهی، دانش و درک عمومی، تحقق الزامات سیاسی و قانونی، ایجاد استحکام مشروعیت<sup>۵۶</sup>. تحقق تقاضای رو به رشد مردم جهت مشارکت (اسمیت<sup>۵۷</sup>، ۲۰۰۳).

برای کسانی که به تو نیاز دارند وقتی مقرر کن که شخصاً (و چهره به چهره) به نیاز آنها رسیدگی کنی و مجلسی عمومی و همگانی برای آنها تشکیل ده (و در آنجا بنشین و مشکلات آنها را حل کن) در آن مجلس برای خدایی که تو را آفریده است تواضع کن و لشکریان و معاونان اعم از پاسداران و نیروی نظامی را از آنها دور ساز تا هر کس بخواهد بتواند با صراحت و بدون ترس و لکنت زبان، سخن خود را با تو بگوید زیرا من بارها از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) این سخن را شنیدم که می فرمود: «امتی که در آن حق ضعیف از زورمند با صراحت گرفته نشود هرگز روی قداست و پاکی را نخواهد دید (و آرامش از آنها رخت بر می بندد). سپس خشونت و کندی و ناتوانی آنها را در سخن، تحمل کن و هرگونه محدودیت و تنگنوی و استکبار در برابر آنها را از خود دور ساز (تا بتوانند حرف دل خود را بگویند). سپس (آگاه باش) بخشی از کارهای توست که باید شخصاً به آنها پردازی (و نباید به دیگران واگذار کنی) از جمله، پاسخ گفتن به کارگزاران حکومت است در آنجا که منشیان و دفترداران از پاسخ آن عاجزند و دیگر، برآوردن نیازهای مردم است در همان روز که حاجات و نیازهای آنها به تو گزارش می شود و معاونان تو در پاسخ به آن مشکل دارند. (به هوش باش) کار هر روز را در همان روز انجام بده (و به فردا میفکن) زیرا هر روز کاری مخصوص به خود دارد (مکارم شیرازی ۱۳۹۰).

### ب) منظر اخلاقی

کوپر<sup>۵۸</sup> بر این عقیده بود که اخلاقیات، علمی است که ارائه دهنده اصول کلی حاکم بر رفتار انسان بوده و برای تمامی انسانها مناسب است (شیران<sup>۵۹</sup>، ۱۹۹۳: ۵-۹). همچنین، اخلاقیات به معنای هنجارهای تسهیم شده توسط گروه بر مبنای تشخیص دوجانه و متقابل می باشد. بنابراین، اخلاقیات، تبادلی است که ضرورتاً دو طرفه می باشد. واژه «اخلاقیات» از «Greek ethikos» گرفته شده است (هازارد<sup>۶۰</sup>، ۱۹۹۴).. فایده علم اخلاق، پاک ساختن نفس از صفات رذیله و آراستن آن به ملکات زیبا و جمیله می باشد که از آن به تهذیب اخلاق تعبیر می کنند و ثمره تهذیب اخلاق رسیدن به خیر و سعادت جاودانه است (نیلی پور، ۱۳۹۱: ۳۱). براین اساس، یکی از ابعاد مهم در حکمرانی، اهتمام بر اخلاقیات است. دولت‌هایی که از این حیث، اعتبار مناسبی کسب نمایند به تدریج مشروعیت و مقبولیت خود را از دست خواهند داد. هانکوم<sup>۶۱</sup> و همکاران (۱۹۹۰) شایع‌ترین مشکلات غیر اخلاقی بخش عمومی (دولتی) را به شرح ذیل برشمردند:

- رشوه، انتصاب اقوام و نزدیکان به مشاغل مهم اداری (تبارگماری<sup>۶۲</sup>) و دزدی
- تضاد منافع
- سوء استفاده از دانش فردی که به اطلاعات محرمانه سازمان دسترسی دارد.
- استفاده و سوء استفاده از اطلاعات محرمانه جهت مقاصد شخصی
- پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری عمومی
- فساد
- نفوذ در گروه‌های فشار و ذی نفع (پویو<sup>۶۳</sup>، ۲۰۱۵).

بنابراین، می توان بیان نمود که توجه صرف بر بعد اقتصادی و مادی نشانگر خوب و مطلوب بودن حکمرانی نیست بلکه سایر ابعاد مهم از جمله اخلاقیات نیز می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. شاخص‌های موجود در این زمینه عبارتند از:

**عیب پوشی؛** چرا در پیش فرض‌های اسلامی ما وزن اهمیتی بسیاری برای عیب پوشی قائل شده‌اند؟ و چرا باید آن را به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول اخلاقی حکمرانی دانست؟ سوالاتی از این قبیل حاکی از اهمیت این مفهوم در حفظ حرمت و شان متقابل شهروندان و به تبع عدم گسست ریسمان همکاری و همیاری آنان می باشد. به عبارت دیگر، مسلمانان تا وقتی با یکدیگر متحد بوده، همکاری داشته و متقابل اجتماعی می‌نمایند که نسبت به یکدیگر حسن ظن داشته و اعتماد نمایند.

55 . increase fiscal responsibility

56 . establish/solidify legitimacy

57 . Smith

58 . Cooper

59 . Sheeran

60 . Hazard

61 . Hanekom

62 . nepotism

63 . Puiu

باید دورترین رعایا نسبت به تو و میغوض ترین آنها در نزد تو کسانی باشند که بیشتر در جستجوی عیوب مردمند، زیرا در (غالب) مردم عیوبی وجود دارد (که از نظرها پنهان است و) والی از همه سزاوارتر است که آنها را ببوشاند، بنابراین لازم است عیوبی را که بر تو پنهان است آشکار نسازی. وظیفه تو تنها این است که آنچه را بر تو ظاهر گشته اصلاح کنی و آنچه از تو مخفی مانده خدا درباره آن داوری می کند. آنچه امام (علیه السلام) در این بخش از سخنان خود بیان فرموده اشاره به این حقیقت دارد که بالاخره غالب مردم دارای نقاط ضعفی هستند که بر دیگران پوشیده است. اگر این نقاط ضعف آشکار گردد هم مردم به یکدیگر بدبین می شوند و هم والی به آنها بدبین می گردد و این بدبینی که در حدیث پیامبر نیز به آن اشاره شد، رشته اتحاد آنها را پاره می کند و امکان همکاری صمیمانه آنها را به یکدیگر و همه را با والی سلب می نماید. به همین دلیل قرآن مجید صریحا از تجسس و تفحص از عیوب پنهانی نهی کرده و می فرماید: (وَلَا تَجَسَّسُوا). (تفسیر آیت ... مکارم شیرازی)

**حائزین مشورت؛** یکی از نکات بسیار مهم در حکمرانی، مسئله مشورت و حائزین آن است. مشورت یعنی یکارگیری خرد جمعی در جهت حل مسائل و مشکلاتی که خرد فردی عاجز از حل آن است. براین اساس، در چنین امر مهمی می بایست اصول و شرایط خاصی تدبیر شده و رعایت گردد. به عبارت دیگر، چنین امر مهمی که قادر به حل مشکلات و مسائل اساسی است، نمی تواند جایگاه و منزلی برای تمامی افراد باشد، بلکه باید صرفا افراد حائز شرایط اعم از بعد تخصص و خصایص اخلاقی در آن مشارکت نمایند. هرگز بخیل را در مشورت خود دخالت مده، زیرا تو را از احسان و نیکی کردن منصرف می سازد و از تهی دستی و فقر می ترساند. و نیز با شخص ترسو مشورت مکن که روحیه تو را در انجام امور تضعیف می کند. و از مشورت با افراد حریص برحذر باش که حرص ورزیدن را از طریق ستمگری در نظرت زینت می دهند. زیرا «بخل» و «ترس» و «حرص»، تمایلات گوناگونی هستند که جامع آنها «سوء ظن» به خداوند است. امام (علیه السلام) در این بخش از عهدنامه به مسأله مشاوران والی و صفات و ویژگی های آنها می پردازد و جالب اینکه از اصل لزوم مشورت سخن نمی گوید، زیرا آن را امر مسلمی فرض کرده که هر والی و زمامدار باید مشاورانی برای مسائل مختلف سیاسی و اقتصادی و نظامی داشته باشد تا با استفاده از افکار آنها بهترین راه را برای پیشبرد این امور برگزیند و از استبداد به رأی و تکیه بر افکار فردی بپرهیزد و مصالح رعایا تا آنجا که ممکن است رعایت شود. امام (علیه السلام) در واقع او را به سه اصل توصیه می کند: سخاوت، شجاعت و قناعت و توکل. روشن است که مشورت با فرد بخیل جلوی سخاوت را می گیرد و با شخص ترسو پایه های شجاعت را سست می کند و با حریص قناعت را متزلزل می سازد که لازمه آن ستم کردن بر رعایاست (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).

**مالیات اقتضایی و متناسب؛** یکی از مهم ترین منابع درآمد دولت های امروزی، مالیات است. ولی نکته حائز اهمیت در این زمینه این است که این امر نباید به ابزاری جهت تحمیل فشار به شهروندان تبدیل شده و آنها را در مضیقه قرار دهد. به عبارت بهتر، شهروندانی که دچار حوادث طبیعی قرار گرفته و توان حل مشکلات روتین خود نیستند چگونه می توانند مالیات پرداخت نمایند. بر این اساس، حکمرانی اسلامی می بایست اصل مالیات اقتضایی را متناسب با شرایط و توان پرداخت شهروندان در نظر بگیرد. مسأله خراج و مالیات را دقیقا زیر نظر بگیر، به گونه ای که صلاح خراج دهندگان باشد، زیرا بهبودی و صلاح وضع خراج و بهبودی و صلاح حال خراج گزاران سبب بهبودی حال دیگران (و سایر قشرهای جامعه اسلامی) می شود. بنابراین اگر رعایا از سنگینی خراج و یا آفت زدگی یا خشک شدن آب چشمه ها یا کمی باران و یا دگرگونی زمین بر اثر آب گرفتگی (و فساد بذرها) یا تشنگی شدید زراعت (و به دنبال آن کمبود محصول) به تو شکایت کنند، خراج آنها را به مقداری که امید داری کار آنها را اصلاح کند و بهبود بخشد، تخفیف ده. هرگز تخفیف هزینه هایی که به آنها می دهی بر تو گران نیاید، زیرا آن ذخیره ای خواهد بود که از طریق عمران کشورت به تو باز می گردانند و حکومت تو را زینت می بخشند. و بسیار می شود که در آینده برای تو گرفتاری هایی پیش می آید که اگر در دفع آن گرفتاری ها بر این رعایا تکیه کنی آنها با طیب خاطر آن را پذیرا می شوند (و در حل مشکل به تو یاری می دهند) (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).

**عدالت رفتاری؛** یکی از نشانه های مهم در مردم سالاری دینی، ظهور عدل در جامعه است. حکمران اسلامی نباید بخاطر تحقق منافع مقربان خود، منافع سایر اقشار جامعه را پایمال نماید. رابطه نزدیکان با حکمران همیشه سست و مبتنی بر تداوم تامین منافع است و هیچگاه به طور کامل راضی نمی شوند. پس بر حکمران اسلامی لازم است تا منافع کلیه احاد جامعه را در نظر بگیرد حتی اگر به ضرر کاخ نشینان باشد.

برای زمامدار، خصان و صاحبان اسرار (و نزدیکان و اطرافیانی) است که خودخواه و برتری طلب اند و در داد و ستد با مردم عدالت و انصاف را رعایت نمی کنند. ریشه ستمشان را با قطع وسائل آن بر کن و هرگز به هیچ یک از اطرافیان و هواداران خود زمینی از اراضی مسلمانان را وا مگذار و نباید آنها طمع کنند که قراردادی به سود آنها منعقد سازی که موجب ضرر بر همجواری آن زمین باشد. حق را درباره آنها که

صاحب حق اند رعایت کن، چه از نزدیکان تو باشد یا غیر آنها و در این باره شکبیا باش و به حساب خدا بگذار (و پاداش آن را از او بخواه) هرچند این کار موجب فشار بر خویشاوندان و یاران نزدیک تو شود، سنگینی این کار را بپذیر، زیرا سرانجامش پسندیده است و هرگاه رعایا نسبت به تو گمان بی عدالتی ببرند عذر خویش را آشکارا با آنان در میان بگذار و با بیان عذر خویش گمان آنها را نسبت به خود (درباره آنچه موجب بدبینی شده) اصلاح کن، زیرا این امر از یک سو موجب تربیت اخلاقی تو می شود و از سوی دیگر ارفاق و ملاحظاتی است درباره رعیت و سبب می شود که بیان عذر خود، تو را به مقصودت که وادار ساختن آنها به حق است برساند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).

**وفای به عهد؛ وفای به عهد** از منظر درونی موجب تحکیم حکمرانی و اعتماد بیشتر شهروندان و از منظر بیرونی موجب معتبر شدن و اطمینان سایر ملل خواهد شد. این امر بدان نکته اشاره دارد که عهدها و توافقات بین المللی می بایست از سوی حکمران اسلامی مورد احترام قرار گرفته و به هیچ وجه نقض نگردد. البته پیش شرط این امر، هوشیاری و فراست در زمان توافق است به طوریکه در آن مورد یا مواردی ثبت نگردد که حکومت از اجرای آن قاصر یا عاجز باشد. همچنین نباید توافق به صورتی باشد که صریحاً یا تلویحاً مورد برداشت‌ها ی متفاوت قرار گرفته یا از آن سوء استفاده گردد.

هرگز صلحی را که از جانب دشمن پیشنهاد می شود و رضای خدا در آن است رد مکن، چرا که در صلح برای سپاهت آرامش (و سبب تجدید قوا) و برای خودت مایه راحتی از هم و غم ها و برای کشورت موجب امنیت است؛ و اگر پیمانی میان خود و دشمن بستنی یا لباس امان بر او پوشاندی (و او را پناه دادی) به عهده وفا کن و قرارداد خود را محترم بشمار و جان خویش را در برابر تعهداتت سپر قرار ده، زیرا هیچ یک از فرایض الهی همچون بزرگداشت «وفای به عهد و پیمان» نیست و مردم جهان با تمام اختلافات و تشتت آرایبی که دارند نسبت به آن اتفاق نظر دارند. علاوه بر این، هرگز پیمانی را که در آن تعبیراتی است که جای اشکال (و سوء استفاده دشمن) در آن وجود دارد منعقد مکن (و همان گونه که نباید عبارتی در عهدنامه باشد که دشمن از آن سوء استفاده کند) تو نیز بعد از تأکید و عبارات محکم عهدنامه، تکیه بر بعضی از تعبیرات سست و آسیب پذیر برای شکستن پیمان منما (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).

**اخلاقیات حکمرانان؛ عملکرد دولت** همچون آینه تمام نمایی است که تمامی شهروندان می توانند آن را مشاهده نموده و تعبیر و تفسیر نمایند. بقای حکومت در گرو رعایت اخلاقیات و ارزش‌های مورد قبول عموم شهروندان است. به شاخص به این امر توجه دارد که تخصص و کاردانی به تنهایی نمی تواند موجبات موفقیت دولت را فراهم نماید بلکه تعهد و اخلاقمداری نیز می بایست مورد اهتمام قرار گیرد. حکمران اسلامی در مردم سالاری دینی می بایست خود را آراسته به خصایل اخلاقی نماید. از خودپسندی و تکیه بر نقاط قوت خویش و علاقه به مبالغه در ستایش (ستایش گویان) شدیداً بپرهیز، زیرا این صفات از مطمئن ترین فرصت هایی است تا کارهای نیک نیکوکاران را محو و نابود کند.

از منت بر رعیت به هنگام احسان، شدیداً دوری کن و (همچنین) از افزون شمردن کارهایی که انجام داده ای خودداری نما و نیز از اینکه به آنها وعده دهی سپس تخلف کنی برحذر باش، زیرا منت گذاردن، احسان را باطل می سازد و بزرگ شمردن نعمت نور حق را می برد و خلف وعده موجب خشم خدا و خلق است؛ خداوند متعال می فرماید: «نزد خدا بسیار خشم آور است که چیزی را بگوید که انجام نمی دهد»

از عجله در کارهایی که وقتش نرسیده است جداً بپرهیز و از کوتاهی در آن کارها که امکانات عمل آن فراهم شده خودداری کن، از لجاجت در اموری که مبهم و مجهول است بپرهیز و (نیز) از سستی در انجام آن به هنگامی که روشن شود برحذر باش. (آری) هر امری را در جای خویش و هر کاری را به موقع خود انجام ده.

از امتیاز خواهی برای خود در آنچه مردم در آن مساوی اند جداً بپرهیز و از غفلت در انجام آنچه مربوط به توست و در برابر چشمان مردم واضح و روشن است برحذر باش، چرا که به هر حال در برابر مردم نسبت به آن مسئولی و به زودی پرده از کارهایت کنار می رود و انتقام مظلوم از تو گرفته می شود.

به هنگام خشم، خویشتن دار باش و از تندوی و تیزی خود، و قدرت دست، و خشونت زبانت بکاه و برای پرهیز از این امور از انجام کارهای شتاب زده و سخنان ناسنجیده و اقدام به مجازات، برحذر باش تا خشم تو فرو نشیند و مالک خویشتن گردی و هرگز در این زمینه حاکم بر خود نخواهی شد مگر اینکه بسیار به یاد قیامت و بازگشت به سوی پرودگارت باشی (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).



**ج) منظر مدیریتی**

شاخص‌های این بعد عبارتند از:

**شهروندگرایی؛** دنهارت بر این عقیده است که مسئولیت دولت، ارتقاء شهروندگرایی، گفتمان عمومی و منفعت عامه است (دنهارت و دنهارت<sup>۶۴</sup>، ۲۰۰۷). به عبارت دیگر، وظیفه دولت صرفاً تحقق اهداف اقتصادی و مادی نیست بلکه متناسب با رشد سطح فهم و درک شهروندان، مسئولیت دولت نیز تغییر خواهد نمود. در واقع این شهروندان هستند که عنان حکومت را بدست دولت منتخب می‌سپارند و در عوض انتظار دارند که دولت نیز به تمامی منافع و ارزش‌های آنان توجه نماید و صرفاً در پی تحقق امیال خود نباشد. علاوه بر این، متقابلاً شهروندان نیز می‌بایست بدانند که ساخت بهتر کشور و جامعه، نیازمند همکاری، آرمان‌ها و مشارکت آنهاست، با این تعریف، دولت متعلق به آنها و پاسخگوی آنهاست (دنهارت و دنهارت، ۲۰۰۷).

مهربانی به رعیت و دوست داشتن آنها و لطف در حق ایشان را شعار دل خود ساز. چونان حیوانی درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شماری، زیرا آنان دو گروهند یا همکیشان تو هستند یا همانندان تو در آفرینش. از آنها خطاها سر خواهد زد و علت‌هایی عارضشان خواهد شد و بعمد یا خطا، لغزشهایی کنند، پس، از عفو و بخشایش خویش نصیبشان ده، همان گونه که دوست داری که خداوند نیز از عفو و بخشایش خود تو را نصیب دهد. زیرا تو برتر از آنها هستی و، آنکه تو را بر آن سرزمین ولایت داده، برتر از دوست و خداوند برتر از کسی است که تو را ولایت داده است. ساختن کارشان را از تو خواسته و تو را به آنها آزموده است. امام(علیه السلام) این نکته را یادآور می‌شود که هر کس بر گروهی حکومت می‌کند در حدّ خود تحت حکومت دیگری قرار دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).

**خادمیت؛**

یکی از نکات مهم در خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری حکومت‌ها توجه به منافع و ارزش‌های عامه مردم است. جمیز بوکانان<sup>۶۵</sup> برنده جایزه نوبل اقتصاد و پژوهشگر برجسته نظریه انتخاب عمومی مدرن، معتقد است افراد به منظور تحقق سود شخصی خود در خط‌مشی‌گذاری گرد هم می‌آیند (دای، ۱۹۹۸). براین اساس، آنها انگیزه‌ای جهت تحقق مصلحت عامه نداشته و صرفاً در راستای منافع شخصی خود حرکت می‌کنند. از طرف دیگر، تئوری خادمیت<sup>۶۶</sup> و انگیزه خدمت عمومی<sup>۶۷</sup> درصدد تحقق ارزش‌ها و منافع عمومی بوده و بر این عقیده‌اند که کارگزاران عمومی می‌بایست خود را خام شهروندان دانسته و به آنها خدمت نمایند (پری و وایز<sup>۶۸</sup>، ۱۹۹۰). بنابراین، وظیفه اصلی حکمران اسلامی در مردم سالاری دینی، خدمت به شهروندان بوده به طوری که از هرگونه نخوت و تکبر بر حذر باشند.

ای مالک، خود را برای جنگ با خدا بسیج مکن که تو را در برابر خشم او توانی نیست و از عفو و بخشایش او هرگز بی نیاز نخواهی بود. هرگاه کسی را بخشودی، از کرده خود پشیمان مشو و هرگاه کسی را عقوبت نمودی، از کرده خود شادمان مباش. هرگز به خشمی، که از آت امکان رهایی هست، مشتتاب و مگوی که مرا بر شما امیر ساخته اند و باید فرمان من اطاعت شود. زیرا، چنین پنداری سبب فساد دل و سستی دین و نزدیک شدن دگرگونی‌ها در نعمتهاست. هرگاه، از سلطه و قدرتی که در آن هستی در تو نخوتی یا غروری پدید آمد به عظمت ملک خداوند بنگر که برتر از دوست و بر کارهایی تواناست که تو را بر آنها توانایی نیست. این نگرستن سرکشی تو را تسکین می‌دهد و تندی و سرافرازی را فرو می‌کاهد و خردی را که از تو گریخته است به تو باز می‌گرداند.. منظور از جنگ با خدا همان ظلم و ستم بر بندگان و تضییع حقوق آنهاست نه هرگونه معصیت و گناه (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).

حاکم جامعه اسلامی قبل از اینکه بر مردم سلطه سیاسی داشته باشد، سلطه عاطفی و روحی دارد. حتی می‌توان گفت اقتدار و سلطه سیاسی حاکم تا حدود زیادی وامدار اقتدار روحی و عاطفی اوست. این شیوه موجب می‌شود حاکم در دل مردم نفوذ کند. در تصویر حکومت صدر اسلام و راز موفقیت‌های آن امام حکومت بر قلوب را مطرح «حکومت صدر اسلام حکومت بر قلوب بود» نمودند (حاجی احمدی، ۱۳۸۵).

**طرز برخورد متناسب با عملکرد؛**

عملکرد افراد می‌بایست به عنوان معیاری جهت مشخص نمودن نحوه تعامل و برخورد با آنها در نظر گرفته شود. تقویت مثبت رفتار موجب تکرار و تقویت منفی نیز موجب عدم تکرار رفتار می‌گردد. در نتیجه در حکمرانی اسلامی نباید تمامی شهروندان (از منظر عملکردی) یکسان نگریده شوند. به طور کلی، شهروندان اخلاق‌مند می‌بایست در اولویت امور قرار گیرند.

64 . Denhardt & Denhardt

65 . James Buchanan

66 . Stewardship

67 . Public Service Motivation

68 . Perry & Wise

هرگز نباید افراد نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان باشند، زیرا این کار سبب می شود نیکوکاران به نیکی ها بی رغبت شوند و بدکاران به اعمال بد تشویق گردند. بنابراین هر یک از اینها را مطابق آنچه برای خود خواسته اند پاداش ده. بدان هیچ وسیله ای برای جلب اعتماد والی به (وفاداری) رعیت بهتر از احسان به آنها و سبک کردن هزینه ها بر آنان و عدم اجبارشان به کاری که وظیفه ندارند نیست، بنابراین در این راه آن قدر بکوش تا به وفاداری رعایا درباره خود خوش بین شوی، زیرا این خوش بینی، خستگی و رنج فراوانی را از تو دور می سازد. آنچه امام (علیه السلام) در این دستور بیان کرده یکی از اصول مهم مدیریت است؛ از مدیریت خداوند و پیامبران بر جهان انسانیت گرفته تا مدیریت یک پدر در خانواده (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).

### اصول گزینش کارگزاران و نحوه نظارت بر آنان؛

یکی از مشکلات حکومت‌های امروزی، فاصله گرفتن از اصول شایسته‌سالاری<sup>۶۹</sup> است. نتیجه‌ی این امر این است که گزینش کارگزاران از طریق پارتی بازی، رانت اطلاعاتی و ... صورت می‌پذیرد. بدیهی است در چنین شرایطی دلیل آنکه متخصصان و متبهران در حاشیه قرار می‌گیرند و افراد بدون تخصص لگام امور را در دست می‌گیرند، رهاوردی جز عدم حل مسائل عمومی و افزایش نارضایتی عمومی نخواهد داشت. در چنین شرایطی است که خلا وجود نخبگان احساس می‌گردد. از سوی دیگر، پس از بکارگیری آنها، نباید آنان را به حال خود وا گذاشت. بلکه نظارت مستمر بر عملکرد آنها موجب اطمینان از صحت رفتارشان می‌گردد.

در امور مربوط به کارگزاران دقت کن و آنها را با آزمون و امتحان و نه از روی «تمایلات شخصی» و «استبداد و خودرایی» به کار گیر، زیرا این دو کانونی از شعب ظلم و خیانت اند، از میان آنها افرادی را برگزین که دارای تجربه و پاکی روح باشند از خانواده های صالح و پیشگام و با سابقه در اسلام، زیرا اخلاق آنها بهتر و خانواده آنان پاک تر و توجه آنها به موارد طمع کمتر و در سنجش عواقب کارها بیناترند. آن گاه روزی آنها را فراوان کن (و حقوق کافی به آنها بده) زیرا این کار سبب تقویت آنها در اصلاح خویشتن می شود و ایشان را از خیانت در اموالی که زیر نظرشان است بی نیاز می سازد و اضافه بر این حتی در برابر آنهاست، اگر از دستورات تو سرپیچی کنند یا در امانت تو خیانت ورزند. سپس با فرستادن مأموران مخفی راستگو و وفادار کارهای آنان را تحت نظر بگیر، زیرا بازرسی مداوم پنهانی سبب تشویق آنها به امانت داری و مدارا کردن به زیردستان و مراقبت از معاونان می شود. و هرگاه یکی از آنها (از کارگزاران تو) دست به سوی خیانت دراز کند و مأموران مخفی ات متفقاً نزد تو بر ضد او گزارش دهند، به همین مقدار به عنوان گواه و شاهد قناعت کن و مجازات بدنی را در حق او روا دار و به مقداری که در کار خود خیانت کرده کیفر ده سپس (از نظر روانی نیز او را مجازات کن و) وی را در مقام خواری بنشان و داغ خیانت را بر او نه و قلاده اتهام تهمت را به گردنش بیفکن (و او را چنان معرفی کن که عبرت دیگران گردد) (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).

### شفافیت و اطلاع از امور مردم؛

پیتر سنگه می‌گوید «اگر قورباغه‌ای را درون آب داغ قرار بدهیم بلافاصله از آن بیرون می‌پرد اما اگر همین قورباغه را در آبی قرار داده و آرام آرام آب را داغ کنیم قورباغه داغ شدن آب را حس نمی‌کند و به آن واکنش نشان نمی‌دهد تا زمانی که آب بسیار داغ شود اما دیگر دیر شده زیرا که دیگر عضلاتش توان جهیدن ندارد و او در آب پخته می‌شود. (الوانی، ۱۳۷۸: ۳۲۹). حکمرانی و حکومت نیز این چنین است اگر آنها نیز هوشیار نباشند مشکلات و مسائل عمومی آرام آرام به روی هم جمع می‌شود و دیگر قادر به رفع آنها نیستند. براین اساس، حکمران اسلامی می‌بایست با حضور در جامعه از مشکلات واقعی زندگی روزمره مردم باخبر شود.

هیچ گاه خود را در زمانی طولانی از رعایا پنهان مدار، زیرا پنهان ماندن زمامداران از چشم رعایا موجب نوعی کم اطلاعی نسبت به امور (مردم و کشور) می‌شود و آنها را از آنچه نسبت به آن پنهان مانده اند بی‌خبر می‌سازد در نتیجه مسائل بزرگ نزد آنان کوچک و امور کوچک در نظر آنها بزرگ می‌شود، کار خوب، زشت جلوه می‌کند و کار زشت، خوب، و حق و باطل با یکدیگر آمیخته می‌شود. (وانگهی) تو از دو حال خارج نیستی: یا مردی هستی که آمادگی برای سخاوت و بذل و بخشش در راه حق داری، بنابراین دلیلی ندارد که خود را پنهان داری و از عطا کردن حق واجب خودداری کنی، و فعل کریمانه ای را که باید انجام دهی ترک نمایی، یا مردی بخیل و تنگ نظر هستی در این صورت (هنگامی که مردم تو را ببینند و این صفت را در تو بشناسند) از بذل و بخشش تو مأیوس می‌شوند و دست از تو برمی‌دارند. افزون بر اینها، بسیاری از حوایج مردم نزد تو، هزینه ای برای تو ندارد، مانند شکایت از ستمی یا درخواست انصاف در داد و ستدی (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).

**بخش ۲: شاخص‌ها و معیارهای مردم‌سالاری دینی**

ویژگیها و شاخصه‌های مردم‌سالاری مورد پذیرش و مطلوب، عبارت اند از:

۱) پذیرش **دموکراسی در چهارچوب اسلام**: از جمله مشخصه‌های محوری دموکراسی و مردم‌سالاری مطلوب، ارتباط و پیوستگی مردم‌سالاری با اسلام است. از نگاه امام این امری بدیهی و روشن است که چون مردم ایران مسلمان اند، همواره اسلام، تنها ملاک و ضابطه نظام اجتماعی و تعیین‌کننده نوع نظام سیاسی باشد. در واقع، دموکراسی مطلوب، مندرج در اسلام است و تنها در تحت لوای اسلام است که دموکراسی صحیح پیاده می‌شود.

حضرت امام، ضمن منحصر ساختن دموکراسی صحیح به دموکراسی موجود در اسلام و بی‌نظیر خواندن چنین نگرشی به دموکراسی می‌گوید: «ما به دنیا خواهیم فهماند که معنی دموکراسی چیست». همچنین در بیانی دیگر در این باره می‌گوید: «ما می‌خواهیم اسلام و حکومت اسلام را به نحوی که شبیه صدر اسلام باشد اجرا کنیم تا غرب، معنی درست دموکراسی را به آن حدی که هست بفهمد تا تفاوت میان دموکراسی موجود در اسلام و دموکراسی اصطلاحی مورد ادعای دولتها آشکار شود. فرق بنیادین دموکراسی که امام آن را مطلوب می‌داند، با دموکراسی غربی این است که دموکراسی مورد نظر امام، با معیارها و قوانین اسلامی اداره می‌شود.

۲) **عدالت محوری**: عدالت، نفی تبعیض و اهمیت دادن به فقرا از دیگر ویژگیهای دموکراسی و مردم‌سالاری مطلوب امام است. امام، بارها در شرح دموکراسی واقعی و مورد قبول اسلام، حکومت عادلانه اسلامی را مطرح کرد، حکومتی که همه افراد را به یک چشم می‌بیند و امتیازی بین آنان قائل نیست، بلکه بنابر شایستگی و سزاواری که هر کس دارد، از امتیازها برخوردار می‌شود. ما باید روی میزان عدل رفتار کنیم. ما به آنها خواهیم فهماند که معنای دموکراسی چیست... دموکراسی اسلام صحیح است و ما اگر توفیق پیدا کردیم به شرق و غرب، اثبات می‌کنیم این دموکراسی که ما داریم دموکراسی است، نه آن که شما دارید و طرفدار سرمایه‌دارهای بزرگ است. و نه این که اینها دارند و طرفدارهای ابرقدرتها هستند و همه مردم ما را در اختناق عظیم گذاشتند.

۳) **ناسازگاری با استبداد**: از ویژگیهای دیگر دموکراسی مطلوب امام، ناسازگاری آن با استبداد است.

۴) **تأمین و حفظ آزادی**: دیگر مشخصه دموکراسی مطلوب حضرت امام، برآوردن آزادی انسانها و پاسداری از آن در برابر بازدارنده‌های آزادی است. ایشان با اشاره به این مطلب که «هیچ کس مثل اسلام، آزادی طلب نیست» به گونه روشن به دو نوع از آزادی موجود در دموکراسی مطلوب خود اشاره می‌کند:

الف. آزادی در مشارکت سیاسی: امام، آزادی مردم در انتخابات را از جمله مبانی دموکراسی و مردم‌سالاری می‌داند.

ب. آزادی بیان و عقیده: «در اسلام، دموکراسی مندرج است و مردم در بیان عقاید آزادند.

۵) **پیوند با استقلال**: در نگاه امام، دموکراسی ملازم با مفهوم استقلال است و در کنار آن معنی می‌یابد: «نظام حکومتی ایران، جمهوری اسلامی است که حافظ استقلال و دموکراسی خواهد بود (مزینانی، ۱۳۹۳).

۶) **نقش مردم در هدایت و نظارت بر حکومت**: نظارت بر قدرت سیاسی از موضوعات بسیار مهم در بررسی فلسفه سیاسی است. زیرا قدرت مهار نشده منشأ تباهی و فساد و زورمدا ری است در نتیجه در هر ساختار سیاسی باید به مسأله نظارت توجه خاص صورت گیرد. امام خمینی آگاهی مردم، مشارکت و نظارت همگانی آنان را بر حکومت منتخب خودشان بزرگترین ضامن حفظ امنیت در جامعه می‌دانستند. ایشان معتقدند عدم نظارت مردم بر حکومت امکان تباهی در جریان حاکمیت سیاسی را افزایش می‌دهد (حاجی احمدی، ۱۳۸۵).

۱. مشارکت مردمی

۲. قانون محوری و قانون مداری

۳. شایسته‌سالاری

۴. ارتقاء آگاهی

۵. آزادی در انتخاب رهبر

۶. خدمتگزاری (خادمیت)، (در جامعه دینی، حاکمان منتخب، پاسخگوی مردم و خدمتگزار واقعی آنانند)

۷. نظارت (حضور مردم در صحنه سیاست و نظارت بر کارگزاران)

۸. مشورت (مشورت حاکم با مردم)

۹. تأمین عدالت اجتماعی (اجتناب از تبعیض و ایجاد امکانات عادلانه مادی و معنوی برای تمامی آحاد جامعه)

۱۰. رعایت کرامت انسانی

۱۱. ظلم ستیزی

۱۲. اعتدال اقتصادی

۱۳. توسعه اجتماعی (اسحاقی، ۱۳۸۴)

به طور کلی تمامی شاخص‌های بیان شده در جدول ذیل خلاصه شده است.

جدول ۳: مولفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی خوب

ردیف	منظر اقتصادی	منظر اجتماعی	منظر اخلاقی	منظر مدیریتی
۱	پاسخگویی و حق اظهار نظر	عام‌گرایی در مقابل خواص‌گرایی	عیب پوشی	شهروندگرایی
۲	ثبات سیاسی و نبود خشونت	اهتمام به طبقات مختلف اجتماع	حائزین مشورت	خادمیت
۳	کیفیت قوانین و مقررات	یاری طبقه محروم	مالیات اقتضایی و متناسب	طرز برخورد متناسب با عملکرد
۴	اثربخشی دولت	گفتمان عمومی و حق اظهار نظر	عدالت رفتاری	اصول‌گزینش کارگزاران و نحوه نظارت بر آنان
۵	حاکمیت قانون	نظارت مردم بر عملکرد حکومت	وفای به عهد	شفافیت و اطلاع از امور مردم
۶	مهار فساد	رعایت کرامت انسانی	اخلاقیات حکمرانان	

**بحث و نتیجه‌گیری**

مطابق با آنچه گذشت، علت اصلی پیدایش «حکمرانی خوب»، توسعه اقتصادی و مادی بوده است. کارشناسان نهادهای بین‌المللی، رهیافت «حکمرانی خوب» را به عنوان بهترین عامل توسعه پذیرفته و آن را به کشورهای در حال توسعه پیشنهاد نموده‌اند (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳). حکمرانی خوب، واژه‌ای است که در دهه ۱۹۹۰ توسط بانک جهانی رواج یافت. منطق این است که می‌توان با حکمرانی خوب به مقاصد از جمله مبارزه با فساد مالی، پارتی بازی، بوروکراسی، و سوء مدیریت - و شفافیت، پاسخگویی، دست یافت (ناندا، ۲۰۰۶). از دیدگاه کافمن شاخص‌های حکمرانی خوب عبارتست از: پاسخگویی و حق اظهار نظر<sup>۷۰</sup>، ثبات سیاسی و نبود خشونت<sup>۷۱</sup>، کیفیت قوانین و مقررات<sup>۷۲</sup>، اثربخشی دولت<sup>۷۳</sup>، حاکمیت قانون<sup>۷۴</sup>، مهار فساد<sup>۷۵</sup> (کافمن و همکاران، ۲۰۰۹).

از سوی دیگر، انتقاداتی بر این دیدگاه بیان شده است از جمله معتقد بودن به اومانیسیم، لیبرالیسم، اصالت ماده و حواس، و اصالت فرد. این مفاهیم شاکله متافیزیک حکمرانی خوب از دیدگاه اندیشمندان غربی را به تصویر می‌کشد. رهاورد این دیدگاه، اهتمام صرف بر بعد مادی انسان و به طور کلی تک بعدی نگری است. این امر موجب می‌شود که اندیشمندان از سایر ابعاد مهم و موثر بر انسان غافل مانده و صرفاً بر مادیات توجه نمایند.

از منظر اسلام، در زمینه راه‌های کسب معرفت علاوه بر حواس ظاهری، بینش و حیانی نیز از منابع معرفت محسوب شده، از بعد انسانی، انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است، از بعد روشی، روش را منحصر به تجربه نمی‌داند بلکه روش و حیانی را نیز مهم تلقی می‌کند (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳)، از نظر غایت، هیچ کس بی‌پهلو آفریده نشده است، غایت انسان، سعادت‌مندی است، همچنین، تأکید این بینش بر جامعه است، این امر اشاره به اصالت جمع در برابر فرد دارد (درخشه و شجاعی، ۱۳۹۴) آرمان ما تحقق ارزش‌های اسلامی و جامعه‌ای مبتنی بر آن است. حکمرانی نیز از منظر ما آنگاه خوب است که به بسط و گسترش و تثبیت باورها و ارزش‌های اسلامی بینجامد و در آن مسیر حرکت کند. از این‌رو، باید گفت هدف اساسی در حکومت ولایی و امامت، رساندن مردم به کمال نهایی و سعادت حقیقی با همان قرب الی‌الله است. به عبارت دیگر، حکومت الهی می‌بایست سعی کند تا ارتباط مردم را با خدا محکم کند و در گسترش فضایل اخلاقی و برقراری احکام خدا کوتاهی نکند. علاوه بر این، حکومت در این دیدگاه به‌عنوان یک مسئولیت بزرگ در برابر خدا نسبت به خلق معرفی شده است. بنابراین اهداف تشکیل حکومت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع) عبارتند از گسترش معنویت، ایجاد امنیت و افزایش رفاه در جامعه (به خصوص احقاق حق افراد ستم‌دیده) و حاکمیت قوانین [اسلامی].

در نهایت نکته حائز اهمیت اینکه، شاخص‌های حکمرانی خوب به تنهایی نمی‌توانند موجبات رشد و شکوفایی حکمرانی خوب به معنای واقعی کلمه را فراهم نمایند، بنابراین می‌بایست از تک بعدی نگری دوری جست و سایر ابعاد مناسب در این حوزه را نیز قلمداد نمود. بر این اساس، سه بعد دیگر، یعنی اجتماعی، اخلاقی و مدیریتی به عنوان شاخص‌های مکمل به این دیدگاه افزوده شده است.

70 . Voice and Accountability

71 . Political Stability and Absence of Violence

72 . Regulatory Quality

73 . Government Effectiveness

74 . Rule of Law

75 . Control of Corruption

## منابع و مراجع

- [۱] اسحاقی، سید حسین. (۱۳۸۴). اصول و ویژگیهای مردم سالاری دینی ۱. مبلغان، ۷۰، ۱۱۲-۱۲۳.
- [۲] اسحاقی، سید حسین. (۱۳۸۴). اصول و ویژگیهای مردم سالاری دینی ۲. مبلغان، ۷۰، ۱۱۲-۱۲۳.
- [۳] حاجی احمدی، محمود. (۱۳۸۵). مردم سالاری دینی در اندیشه امام خمینی (ره). پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۶ (۱۳)، ۳۱-۵۲.
- [۴] حسینی تاش، سید علی و واثق، قادر علی. (۱۳۹۳). حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی(ع). اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۳ (۲)، ۲۸-۷.
- [۵] درخشه، جلال و شجاعی، جبار. (۱۳۹۴). شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه و عمل امام علی (ع). پژوهش‌های علم و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۶ (۱)، ۱۷-۳۶.
- [۶] شاه آبادی، ابوالفضل و جامه بزرگی، آمنه. (۱۳۹۲). نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه. فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، ۱ (۲).
- [۷] محامد، علی. (۱۳۸۷). سیمای حکومت دینی در نهج البلاغه. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی. ۴ (۱۳)، ۱۱۷-۱۳۸.
- [۸] مزینانی، محمدصادق، ۱۳۹۳، مردم سالاری دینی از نگاه امام خمینی، فصلنامه حوزه ۳ (۱۷۲).
- [۹] مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۰). پیام امام امیرالمؤمنین (ع)، شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه.
- [۱۰] میدری احمد. (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۶ (۲۲).
- [۱۱] نادری، محمد مهدی (۱۳۹۰). حکمرانی خوب، معرفی و نقدی اجمالی. اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۱ (۱)، ۶۹-۹۳.
- [۱۲] الوانی، سید مهدی ۱۳۷۸، مدیریت عمومی، نشر نی
- [۱۳] نیلی پور، مهدی. (۱۳۹۱). بهشت اخلاق (جلد اول). مرغ سلیمان، اصفهان.
- [14] Denhardt, J. V., & Denhardt, R. B. (2007). The new public service: Serving, not steering. ME Sharpe.
- [15] Dye, T. R. (1998). Understanding public policy (8th ed.). Models of Politics Some Help in Thinking About Public Policy (pp. 15-41).
- [16] Graham, J., Amos, B., & Plumptre, T. (2003). Principles for good governance in the 21st century. Policy brief, 15(6).
- [17] Grindle, M. S. (2007). Good enough governance revisited. Development policy review, 25(5), 533-574.
- [18] Kaufmann, D. (2003). Rethinking governance: empirical lessons challenge orthodoxy.
- [19] Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2009). Governance matters VIII: aggregate and individual governance indicators, 1996-2008.
- [20] Nanda, V. P. (2006). The "good governance" concept revisited. The ANNALS of the American academy of political and social science, 603(1), 269-283.
- [21] Perry, J. L., & Wise, L. R. (1990). The motivational bases of public service. *Public administration review*, 367-373.
- [22] Plumptre, T., & Graham, J. (1999). Governance and good governance: international and aboriginal perspectives. Ottawa: Institute of Governance.
- [23] Puiu, S. (2015). Ethics Management in Public Sector-Background and Tools. *Procedia Economics and Finance*, 23, 604-607.
- [24] Hazard Jr, G. C. (1994). Law, morals, and ethics. S. Ill. ULJ, 19, 447.
- [25] Sheeran, P. J. (1993). Ethics in public administration: A philosophical approach. Greenwood Publishing Group.
- [26] Smith, B. L. (2003). Public policy and public participation engaging citizens and community in the development of public policy.